



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

Qur'an through Qur'an & tradition



قرآن از دیدگاه قرآن و سنت

به اهتمام: دکتر محمد بیستونی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	قرآن از دیدگاه قرآن و عترت
۸	مشخصات کتاب
۸	فهرست مطالب
۱۰	الإهداء
۱۱	مقدمه
۱۵	قرآن پیشوا و رحمت است
۱۶	قرآن نیکوترین سخن است
۱۷	قرآن همیشه نو است
۱۸	قرآن همیشه به روز و تازه است
۱۹	قرآن شفادهنده بزرگ‌ترین بیماریهاست
۲۰	قرآن شفای دردهای جسمی و روحی شماست
۲۰	قرآن ثروتی است که با آن تهی‌دستی نباشد
۲۱	بزرگی و شرافت انسان‌ها بستگی به نسبت آگاهی آنها به قرآن دارد
۲۱	علوم و اخبار موجود در قرآن
۲۲	آموختن قرآن
۲۳	ضرورت توجه به محتوای قرآن
۲۳	ثواب آموزش دادن قرآن
۲۴	ترغیب به حفظ کردن قرآن
۲۵	فهم قرآن
۲۵	تشویق به مرور کردن قرآن در ذهن
۲۵	پاداش قرآن دانان
۲۶	آنچه که زیبنده قرآن دان است

- ۲۶ تشویق به تلاوت قرآن
- ۲۷ جایگاه انسان در بهشت متناسب با نسبت پابندی به قرآن است
- ۲۸ خواندن قرآن با صدای خوش
- ۲۹ حق تلاوت
- ۳۱ دورافکندن قرآن
- ۳۲ آداب قرائت قرآن
- ۳۲ ۱ - تمیز کردن دهان
- ۳۲ ۲ - پناه بردن به خدا
- ۳۳ ۳ - ترتیل (روشن و شمرده خواندن)
- ۳۴ ۴ - تدبیر
- ۳۵ ۵ - خشوع
- ۳۶ تلاوت‌های ممنوع
- ۳۶ کسی که قرآن لعنتش می‌کند
- ۳۶ قاریان نابکار
- ۳۷ گونه‌های قاریان
- ۳۹ آداب گوش دادن به قرآن
- ۴۰ ظاهر و باطن قرآن
- ۴۱ پرهیز از تفسیر به رأی
- ۴۲ قرآن شناس کیست؟
- ۴۳ انواع آیات قرآن
- ۴۵ آیات محکم و متشابه
- ۴۶ اشارت‌های قرآن
- ۴۷ وجوه قرآن
- ۴۸ أمّ القرآن

- ۴۹ فضیلت تلاوت آیهٔ الْكُرْسِيِّ
- ۵۱ هدف نهایی قرآن، عمل به محتوای آن است
- ۵۲ قرآن باید در زندگی همه مردم حضور داشته باشد
- ۵۲ با آیات قرآن در جهت منافع خود، گزینشی رفتار نکنید
- ۵۳ قرآن راه مستقیم خوشبختی
- ۵۳ قرآن مایه حیات دل‌ها و زندگی جان‌هاست
- ۵۵ درمان و نوسازی در پرتو قرآن
- ۵۵ قرآن به زبان آسان نازل شده است
- ۵۶ قرآن شفادهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را بزدايد
- ۵۷ ارتباط با قرآن برای همگان به سادگی فراهم است
- ۵۸ فهرست منابع
- ۵۸ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

مشخصات کتاب

- سرشناسه: بیستونی محمد، ۱۳۳۷ - عنوان و نام پدیدآور: قرآن از دیدگاه قرآن و عترت / تالیف محمد بیستونی.
 مشخصات نشر: قم بیان جوان ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهری: [۹۱] ص.
 شابک: ۱۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۳۹۹-۹۰-۵
 وضعیت فهرست نویسی: برونسپاری (فاپا (چاپ دوم))
 یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۵ (فیبا).
 یادداشت: چاپ دوم.
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۸]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: قرآن - بررسی و شناخت
 موضوع: قرآن - تحقیق
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ BP۶۵/۴ ب/۴۹۵ق
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۴۴۷۰۷

فهرست مطالب

- موضوع صفحه
 مقدمه ●●● ۶
 قرآن پیشوا و رحمت است ۱۴۰۰۰
 قرآن نیکوترین سخن است ۱۵۰۰۰
 قرآن همیشه نو است ۱۷۰۰۰
 قرآن همیشه به روز و تازه است ۱۹۰۰۰
 قرآن شفا دهنده بزرگ‌ترین بیماری‌هاست ۲۰۰۰۰
 قرآن شفای دردهای جسمی و روحی شماس ۲۲۰۰۰
 قرآن ثروتی است که بدون آن توانگری نباشد ۲۲۰۰۰
 بزرگی و شرافت انسان‌ها بستگی به نسبت تعهد آنها به قرآن دارد ۲۳۰۰۰
 علوم و اخبار موجود در قرآن ۲۴۰۰۰
 آموختن قرآن ۲۵۰۰۰
 ضرورت توجه به محتوای قرآن ۲۷۰۰۰
 ثواب آموزش دادن قرآن ۲۸۰۰۰
 ترغیب به حفظ کردن قرآن ۲۸۰۰۰

فهم قرآن ۳۰۰۰۰

تشویق به مرور کردن قرآن در ذهن ۳۱۰۰۰

پاداش قرآن دانان ۳۱۰۰۰

آنچه که زینده قرآن دان است ۳۲۰۰۰

تشویق به تلاوت قرآن ۳۳۰۰۰

(۸۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

جایگاه انسان در بهشت متناسب با نسبت پابندی به قرآن است ۳۴۰۰۰

خواندن قرآن با صدای خوش ۳۵۰۰۰

حق تلاوت ۳۷۰۰۰

دورافکندن قرآن ۴۱۰۰۰

آداب قرائت قرآن ۴۳۰۰۰

تلاوت‌های ممنوع ۴۹۰۰۰

کسی که قرآن لعنتش می‌کند ۴۹۰۰۰

قاریان نابکار ۵۰۰۰۰

گونه‌های قاریان ۵۱۰۰۰

آداب گوش دادن به قرآن ۵۴۰۰۰

ظاهر و باطن قرآن ۵۶۰۰۰

پرهیز از تفسیر به رأی ۵۷۰۰۰

قرآن شناس کیست ۵۹۴۰۰۰

انواع آیات قرآن ۶۱۰۰۰

آیات محکم و متشابه ۶۵۰۰۰

اشارتهای قرآن ۶۷۰۰۰

وجوه قرآن ۶۹۰۰۰

أمّ القرآن ۷۰۰۰۰

فضیلت تلاوت آیه الكُرسی ۷۲۰۰۰

(۹۰)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

هدف نهایی قرآن، عمل به محتوای آن است ۷۶۰۰۰

قرآن باید در متن زندگی همه مردم حضور داشته باشد ۷۷۰۰۰

با آیات قرآن در جهت منافع خود، گزینشی رفتار نکنید ۷۸۰۰۰

- قرآن راه مستقیم خوشبختی ۷۸۰۰۰
 قرآن مایه حیات دل‌هاوزندگی جان‌هاست ۷۹۰۰۰
 درمان و نوسازی در پرتو قرآن ۸۲۰۰۰
 قرآن به زبان آسان نازل شده است ۸۳۰۰۰
 قرآن شفادهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را بزدايد ۸۴۰۰۰
 ارتباط با قرآن برای همگان به سادگی فراهم است ۸۶۰۰۰

الْإِهْدَاءِ

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ
 رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا
 وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ
 الْمُصْطَفَى وَ بِهِجَبَهُ قَلْبُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي
 شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ الشَّعْبَةِ
 الْمُعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لِأَسِيمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ ، الْمَعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،
 الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُذِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا
 وَ أَهْلَنَا الضُّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جُنَا بِيضَاعِهِ
 مُزْجَاهٍ مِنْ وَ لَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَآوِفِ لَنَا الْكَئِيلَ مِنْ مَنَّكَ وَ
 فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ
 إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمِينِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْيَبِينَ
 الْأَطْهَرِينَ الْهُدَاءِ الْمَهْدِيِّينَ سَيِّمًا الْكَهْفُ الْحَصِينُ وَ الْأَمَامُ الْمُبِينُ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَجَّلَ
 اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ

مجموعه گرانقدر «قرآن از دیدگاه قرآن و عترت» تألیف فاضل گرانمایه جناب آقای دکتر بیستونی دامت برکاته را مطالعه
 کردم از مدارک شناخته شده و معتبره جمع آوری شده و به عباراتی زیبا ترجمه شده است. این کتاب پیرامون قرآن کریم و تلاوت
 آن و تدبیر در آیات شریفه و پند گرفتن و بکار بستن آنها نوشته شده است، مطالعه آن، خواننده را با مقام عالی قرآن و منزلت والای
 آن آشنا می‌کند تا قاری قرآن بداند که با چه کتاب عظیمی روبرو است و چگونه باید آن را ارج نهد و از آن برای سعادت دنیا
 و آخرت خویش بهره‌مند گردد.

برادر عزیز ما جناب آقای حاج علی اصغر سلیم زید عزه العالی به نشر این کتاب همت گماشته و قاریان قرآن مجید را به مطالعه آن
 دعوت می‌نماید خدای متعال این حسنه را از ایشان بپذیرد و والدین ایشان را از ثواب آن بهره‌مند سازد.

شیخ محمد تقی شریعتمداری

۱۶ ذیقعدہ الحرام ۱۴۲۷

(۵)

مقدمه

قرآن کریم از روزهای آغازین نزول تاکنون کانون توجه و بحث و گفتگوی اشخاص و تمدن‌های مختلف بوده است. به نحوی که بسیاری از پیشرفت‌های اعتقادی، علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع مختلف مستقیم یا غیرمستقیم از این سرچشمه نور و هدایت سیراب شده و تأثیر پذیرفته است.

این کتاب آسمانی راهنمای زندگی و عمل و چراغ فروزان جاودانه‌ای است بر معبر تاریخ که در تاریخ‌کار زندگی انسان و در سده‌های دراز، انبوه انسان‌های سرگشته را به مقصد اعلا و مقصود والا رهنمون گشته است. به همین سبب است که خداوند سبحان در کنار ابلاغ قرآن کریم، تبیین و تفسیر آن را برعهده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گذاشته و با صراحت فرمود: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ: و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی» (۴۴/نحل).

شواهد و قراین قطعی قرآنی، روایی و تاریخی گواهی می‌دهد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از آغاز فرود آمدن قرآن کریم به تفسیر و تبیین آن می‌پرداخت و به پیروی از سیره آن حضرت، اهل بیت علیهم‌السلام و بعضی از صحابه نیز به تفسیر قرآن کریم روی آورده و مکاتب تفسیری به وسیله شاگردان بارز صحابه - یعنی تابعین - گسترش یافت و بعد از آنان اندیشمندان مسلمان در طول قرون گذشته با روش‌های گوناگون به تفسیر قرآن کریم پرداخته و می‌پردازند.

کتابی که ما و شما هم اکنون در محضر آن هستیم معرفی قرآن کریم از نگاه اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد که بنابه سفارش و تشویق برادر فرزانه جناب آقای حاج علی اصغر سلیم و با استفاده از کتاب سفینه‌البحار مرحوم حاج شیخ عباس قمی و مجموعه ۱۵ جلدی میزان الحکمه، تألیف آیه‌الله ری شهری تدوین شده است که بدینوسیله از ایشان تشکر و قدردانی می‌شود. هدف از گردآوری این مجموعه آشنایی با زیبایی‌ها و عظمت این کتاب آسمانی به زبان ساده و مختصر می‌باشد که موجب انس هر چه بیشتر جامعه خصوصاً جوانان عزیز با قرآن کریم خواهد بود.

امید است با ترویج فرهنگ قرآن کریم و بکارگیری محتوای آن در زندگی فردی و اجتماعی، جزء مخاطبین بیان اعتراض آمیز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز قیامت نباشیم آنجا که می‌فرماید: «يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» پروردگارا! این قوم من از قرآن دوری جستند. (۱)

دکتر محمد بیستونی

تهران - ۱۷/۵/۸۵

مصادف با ۱۳ رجب سالروز ولادت قرآن ناطق علی ابن ابیطالب علیه‌السلام

(۱) / ۳۰ / فرقان .

(۶)

تَوْرُوا بِبُيُوتِكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ

خانه‌های خود را با خواندن قرآن نورانی کنید

الکتاب

«وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (۱)».

«و براستی که تو را سبع المثنائی (سوره فاتحه) و قرآن بزرگ عطا کردیم.»

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۲)»

«و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم. پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟»

۱

رسول الله صلی الله علیه و آله :

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ هُدْنِيهِ وَأَنْتُمْ عَلَى ظَهْرِ سَيْفٍ وَالسَّيْرُ بِكُمْ سَيْرِي فَقَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَيَقْرَبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ وَيَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعِدٍ وَوَعِيدٍ، فَأَعِدُّوا الْجِهَارَ لِجَعْدِ الْمَفَازِ .

فَقَامَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيُّ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَمَا تَأْمُرُنَا نَعْمَلُ ؟ فَقَالَ إِنَّهَا دَارُ بَلَاءٍ وَابْتِلَاءٍ وَانْقِطَاعٍ وَفَنَاءٍ فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْأُمُورُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُسْتَفْعٌ وَمَا حِلٌّ مُصِدِّقٌ ، مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَهُوَ الدَّلِيلُ يُدَلُّ عَلَى السَّبِيلِ وَهُوَ كِتَابُ تَفْصِيلٍ وَبَيَانٍ وَتَحْصِيلٍ ، وَهُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ ، فَظَاهِرُهُ حُكْمُ اللَّهِ وَ بَاطِنُهُ عِلْمُ اللَّهِ تَعَالَى ، فَظَاهِرُهُ وَثِيقٌ وَبَاطِنُهُ لَهُ تَخُومٌ وَعَلَى تَخُومِهِ تَخُومٌ ، لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلُ الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ النَّصْفَةَ ، فَلْيُؤِغْ (۳) رَجُلٌ

(۱) ۸۷ / حجر

(۲) ۱۷ / قمر

(۳) کذا فی المصدر و الصحيح فليؤغ.

(۷)

بَصْرُهُ، وَلِيُبْلِغَ النَّصْفَةَ نَظْرُهُ، يَنْجُ (۱) مِنْ عَطَبٍ (۲) وَ يَتَخَلَّصُ مِنْ نَشَبٍ (۳) فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ، وَالنُّورُ يُحْسِنُ التَّخَلُّصَ وَيَقِلُّ التَّرْبُصَ. (۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله :

ای مردم ! شما در زمان آسایش مهلت و آرامش هستید و بر مرکب سفر سوارید و شتابان شما را به پیش می‌برد . شاهد بوده‌اید که شب و روز و خورشید و ماه ، هر نوی را کهنه می‌کنند و هر دوری را نزدیک می‌گردانند و هر وعده و وعیدی را به انجام می‌رسانند. پس، برای پیمودن این صحرای دورودراز زادوتوشه فراهم آورید.

مقداد بن اسود کندی برخاست و عرض کرد : ای رسول خدا ! می‌فرمایید چه کنیم ؟ فرمود : دنیا سرای بلا و ابتلا و به سر آمدن و نیست شدن است. پس ، هر گاه کارها همچون پاره‌های شب تار بر شما تاریک و شبهه‌ناک شد ، به قرآن روی آورید ؛ زیرا قرآن شفیع است که شفاعتش پذیرفته است و شاک و خصمی است که شکایتش قبول می‌شود. هر که قرآن را فرایش خود قرار دهد، او را به سوی بهشت کشاند و هر که آن را پشت سر خویش نهد ، به سوی دوزخش براند . قرآن راهنمایی است که راه را نشان می‌دهد ، قرآن کتاب تفصیل و روشنگری و تحصیل (حقایق) است . جداکننده میان حق و باطل است و شوخی بردار نیست . ظاهری دارد و باطنی ، ظاهرش حکم و دستور خداست و باطنش علم خدای متعال. پس، ظاهر آن محکم و استوار است و باطنش عمق‌ها دارد و عمق‌هایش باز عمق‌ها دارد. شگفتی‌هایش بی‌شمار است و عجایب و غرایبش کهنه نمی‌شود . چراغ‌های هدایت و پرتوگاه‌های حکمت در قرآن است . برای کسی که انصاف داشته باشد

(۱) فی المصدر «ینجو» و الصحيح ما أثبتناه .

(۲) العطب: الهلاك. (لسان العرب: ۱/۶۱۰) .

(۳) أَتَشَبَّ فِي الشَّيْءِ إِذَا وَقَعَ فِيهَا لَا مُخْلَصَ لَهُ مِنْهُ. (لسان العرب: ۱/۷۵۷).

(۴) نوادر الزوائد: ۲۱، ۲۲.

(۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

راهنمای به سوی معرفت و شناخت است. پس، باید آدمی دقت نظر کند و انصاف را پیش چشمش آورد، تا از هلاکت رهایی یابد و از تنگنا به درآید؛ زیرا که اندیشیدن، مایه حیات دل شخص بینا و با بصیرت است، همچنان که آدمی به نور چراغ در تاریکی‌ها راه می‌پیماید و نیکو می‌رهد و کم (در شبهات و تاریکی‌ها) منتظر می‌ماند.

۲

الْحَارِثُ الْأَعْوَرُ: دَخَلْتُ عَلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ: يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّا إِذَا كُنَّا عِنْدَكَ سَمِعْنَا الَّذِي نَسْتَدُ (نَسْتَدُّ) بِهِ دِينَنَا، وَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ سَمِعْنَا أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً مَعْمُوسَةً، لِأَنْدَرِي مَا هِيَ؟ قَالَ: أَوْ قَدْ فَعَلُوهَا؟ قَالَ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَتَانِي جَبْرَائِيلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ؛ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِكَ فِتْنَةٌ. قُلْتُ: فَمَا الْمَخْرَجُ مِنْهَا؟ فَقَالَ: كِتَابُ اللَّهِ، فِيهِ بَيَانٌ مَا قَبْلَكُمْ مِنْ خَيْرٍ وَخَيْرٌ مَا بَعْدَكُمْ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ... (۱)

حارث اعور گفت: خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام رسیدم و عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، ما وقتی در حضور شما هستیم، سخنانی می‌شنویم که با آنها دین خود را استوار می‌گردانیم. اما وقتی از خدمت شما می‌رویم، مطالب گوناگون تاریکی می‌شنویم که نمی‌دانیم چیستند (با سخنان شبهه‌انگیزی روبه‌رو می‌شویم). حضرت فرمود: آیا مرتکب آن کار شدند؟ (مقصود مخالفت با حضرت می‌باشد) عرض کردم: آری. فرمود: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! بزودی در میان امت فتنه‌ای پدید خواهد آمد. من گفتم: راه نجات از آن، چیست؟ گفت: کتاب خدا، که در آن خبرهای پیش از شما و بعد از شما و حکم آنچه میان شماست، بیان شده است.

(۱) تفسیر العیاشی: (ج ۱، ص ۳، حدیث ۲، انظر تمام الحدیث).

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۹)

۳

رسول الله صلی الله علیه و آله :

عن الحسن بن علی علیه السلام قال قيل: إِنَّ أُمَّتَكَ سَتُفْتَنَنَّ، فَسُئِلَ: مَا الْمَخْرَجُ مِنْ ذَلِكَ؟ - فقال كتابُ اللهِ العزیزُ، الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ، مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللهُ... (۱)

چون به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: بزودی امت تو گرفتار فتنه خواهد شد، (پس پرسیدند) راه خلاص از آن چیست؟ فرمود: کتاب گرامی خدا، همان که باطل نه از پیش رو و نه از پشت سرش بدو راه نیابد، فرود آمده، از سوی حکیمی ستوده است. هر که علم را در جز قرآن بجوید، خداوند گمراهش کند.

۴

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

فِي صِفَةِ الْقُرْآنِ - جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ، وَرَبِيعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ، وَمَحَاجَّ لَطُرُقِ الصُّلَحَاءِ، وَدَوَاءً لَيْسَ بَعْدَهُ دَاءٌ، وَنُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ. (۲)

امام علی علیه السلام، در وصف قرآن، می‌فرماید: خداوند، قرآن را مایه زدودن عطش دانشمندان و بهار دل‌های فهیم‌گان و شاهراه درستکاران قرار داد و دارویی که با وجود آن دیگر دردی باقی نمی‌ماند و نوری که با آن ظلمتی همراه نیست.

۵

عنه عليه السلام :

اعلموا أنَّ هذا القرآن هو الناصح الذي لا يُغشُّ، و الهادي الذي لا يُضِلُّ، و المُحدِّثُ

(۱) تفسیر العیاشی : (ج ۱، ص ۶، حدیث ۱۱، انظر تمام الحدیث).

(۲) نهج البلاغه: الخطبة ۱۹۸، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ۱۰/۱۹۹.

(۱۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

الذي لا يكذب، و ماجالس هذا القرآن أحد الأقام عنه بزيادة أو نقصان؛ زيادة في هدى أو نقصان من عمى. (۱)

بدانید که این قرآن خیراندیشی است که خیانت نمی‌ورزد و راهنمایی است که گمراه نمی‌کند و گوینده‌ای است که دروغ نمی‌گوید. هیچ کس با این قرآن ننشست، مگر این که با افزایش یا کاهش از نزد آن برخاست: افزایش در هدایت از کاهش در کوری و گمراهی.

۶

عنه عليه السلام :

إنَّ الله سبحانه لم يعظ أحدا بمثل هذا القرآن فإنه حبل الله المتين و سببه الأمين، و فيه ربيع القلب، و ينابيع العلم،

و ما للقلب جلاء غيره. (۲)

خداوند سبحان، هیچ کس را به چیزی مانند این قرآن اندرز نداده است؛ زیرا قرآن ریسمان محکم خدا و دستاویز مطمئن اوست. در این قرآن بهار دل است و چشمه‌های دانش و برای صیقل دادن دل، چیزی جز آن وجود ندارد.

۷

عنه عليه السلام :

فألقرآن أمر زاجر، و صامت ناطق، حجة الله على خلقه، أخذ عليه ميثاقهم، و ارتهن عليهم أنفسهم. (۳)

قرآن فرمان دهنده‌ای است بازدارنده و خاموشی است گویا. حجت خدا بر خلق

(۱) نهج البلاغه: الخطبة ۱۷۶، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ۱۰/۱۸.

(۲) نهج البلاغه: الخطبة ۱۷۶، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ۱۰/۳۱.

(۳) نهج البلاغه: الخطبة ۱۸۳، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ۱۰/۱۱۵.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۱۱)

اوست، از آنان نسبت به (عمل به) قرآن پیمان گرفت و جانشان را گروگان آن کرد.

۸

عنه عليه السلام :

أفضل الذكر القرآن، به تُسرح الصدور و تستنير السرائر. (۱)

بهترین یادآوری (و سخن) قرآن است؛ با قرآن است، که سینه‌ها فراخ می‌شود و درونها روشن می‌گردد.

۹

عنه عليه السلام :

فتجلى لهم سبحانه في كتابه من غير ان يكونوا رأوه بما أراهم من قدرته. (۲)

خداوند سبحان، خویش را در کتابش به آنچه از قدرتش نمود، بی آن که او را ببینند، نشان داد.

۱۰

الامامُ زینُ العابدینِ علیه‌السلام :

لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ. (۳)

اگر همه مردم از شرق تا غرب عالم بمیرند، با وجود قرآن در کنار من، هرگز احساس وحشت و تنهایی نکنم.
(۱) غررالحکم: ۳۲۵۵.

(۲) نهج البلاغه : خطبه ۱۴۷ ، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید : ۹/۱۰۳ .

(۳) الکافی : ۲/۶۰۲/۱۳ .

(۱۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۱۱

الإمامُ الصادقُ علیه‌السلام :

مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقَّ مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَّكَبِ الْفِتْنَةَ. (۱)

کسی که حقیقت را از طریق قرآن نشناسد، از (گزند) فتنه‌ها بر کنار نماند.

۱۲

أمير المؤمنين عليه السلام :

القرآن أفضل الهدايا. (۲)

قرآن، برترین دو هدایت (کننده) است .

۱۳

اللّٰهُ اللّٰهُ فِي الْقُرْآنِ ، لَا يَشِيقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ. (۳)

خدا را! خدا را! درباره قرآن، مبادا دیگران در عمل به آن، بر شما پیشی گیرند.

۱۴

أمير المؤمنين عليه السلام :

كُتِبَ لِلَّهِ تَبَتُّرُونَ بِهِ ، وَ تَنْطِقُونَ بِهِ ، وَ تَسْمَعُونَ بِهِ ، وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ ، وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ ، وَ لَا يَخْتَلِفُ فِي اللَّهِ ، وَ لَا يُخَالِفُ بِصَاحِبِهِ عَنِ اللَّهِ . (۴)

این کتاب خداست که با آن (حق را) می بینید و می گوید و می شنوید و قسمتی از آن بر قسمت دیگرش ، گویا می گردد و برخی از آن، بر برخی دیگر گواهی می دهد و درباره خدا (حق و احکام او یا جذب خلق به سوی خدا) اختلافی ندارد و پیرو خود را از خدا، جدا نمی سازد.

(۱) المحاسن : ۱/۳۴۱/۷۰۲ .

(۲) غرر الحکم : ۱۶۶۴ .

(۳) نهج البلاغه: الكتاب ۴۷ .

(۴) نهج البلاغه ، خطبه ۱۳۳ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۱۳)

قرآن پیشوا و رحمت است

الکتاب

«وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانَا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ (۱)».

«و پیش از آن، کتاب موسی پیشوا و رحمت بود. و این قرآن به زبان عربی کتابی تصدیق کننده (آن) است. تا کسانی را که ستم کرده‌اند هشدار دهد و برای نیکوکاران مژده‌ای باشد».

«أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً (۲)».

«آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و شاهدهی از (خویشان) او پیرو او است و پیش از وی (نیز) کتاب موسی پیشوا و رحمت بوده است (همچون کافر گمراه است)؟»

۱۵

أمير المؤمنين عليه السلام :

إِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَىٰ مِنَ الْحَقِّ ، وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ ... فَالْكِتَابُ وَأَهْلُهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فِي النَّاسِ وَ لَيْسَ فِيهِمْ ، وَ مَعَهُمْ وَ لَيْسَ مَعَهُمْ ! لِأَنَّ الضَّلَالَةَ لَا تُوَافِقُ الْهُدَى ، وَ أَنْ اجْتَمَعَا . فَاجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى الْفِرْقَةِ ، وَ افْتَرَقُوا عَلَى الْجَمَاعَةِ ، كَانَتْهُمْ أَيْمَةُ الْكِتَابِ وَ لَيْسَ الْكِتَابُ إِمَامَهُمْ ، فَلَمْ يَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ إِلَّا اسْمُهُ ، وَ لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا خَطَّهُ وَ زَبْرَهُ . (۳)

بزودی پس از من روزگاری بر شما بیاید، که در آن روزگار چیزی ناپیداتر از حق نیست و آشکارتر از باطل نه... پس، قرآن و اهل آن در آن روزگار در میان مردم

(۱) ۱۲ / احقاف

(۲) ۱۷ / هود

(۳) نهج البلاغه : الخطبة ۱۴۷ .

(۱۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

هستند و نیستند. با آنان هستند و نیستند! (به ظاهر در میان مردم به سر می‌برند اما در اندیشه و کردار با مردم آن روزگار فاصله زیادی دارند)؛ زیرا که گمراهی با هدایت سازش نمی‌کند، هر چند در کنار هم باشند. پس مردم بر تفرقه و جدایی همداستانند و دسته جمعی متفرقند، گویی که آنان پیشوایان قرآنند نه قرآن پیشوای آنان. پس، در میان آنان از قرآن جز نامش، چیزی باقی نماند و جز خط و رسمش، چیز دیگری از آن نشانند .

قرآن نیکوترین سخن است

الكتاب

«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا تَقْدِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ (۱)».

«خدا نیکوترین سخن را (به صورت) کتابی همسان، متضمن وعده و وعید نازل کرده است. آنان که از پروردگارش می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد. سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد» .

۱۶

رسول الله صلى الله عليه وآله :

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ ، وَ خَيْرُ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَ شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا . (۲)

نیکوترین سخن، کتاب خداست و بهترین روش، روش محمد صلی الله علیه و آله است و بدترین امور (در دین)، بدعتهاست.

(۱) ۲۳ / زمر

(۲) البحار : ۷/۱۲۲/۲۳.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۱۵)

۱۷

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

إِنَّ أَحْسَنَ الْقَصَصِ وَ أْبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ وَ أَنْفَعَ التَّذْكَرِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ . (۱)
بهترین داستان و رساترین اندرز و سودمندترین پند، کتاب خدای عز و جل است.

۱۸

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَ أْبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ أَحْسَنُ الْقَصَصِ كِتَابُ اللَّهِ . (۲)
راست‌ترین سخن و رساترین اندرز و بهترین داستان، کتاب خداست.

۱۹

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

تَعَلَّمُوا كِتَابَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ؛ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ أْبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ ، وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ ، وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ ، وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْقَصَصِ . (۳)

کتاب خدای تبارک و تعالی را بیاموزید ؛ زیرا که آن نیکوترین سخن و رساترین اندرز است و قرآن را بفهمید ؛ زیرا که آن بهار دلهاست و از نور آن شفا جوئید ؛ زیرا که آن شفابخش بیماری‌های سینه‌هاست و آن را نیکو تلاوت کنید ؛ زیرا که آن بهترین داستان است .

(۱) الکافی : ۸/۱۷۵/۱۹۴.

(۲) الفقیه : ۴/۴۰۲/۵۸۶۸.

(۳) تحف العقول : ۱۵۰ .

(۱۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۲۰

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ . (۱)
برتری قرآن بر دیگر سخنان، همچون برتری خدا بر خلق خود است.

۲۱

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

أَحْسِنُوا تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ ، وَ اسْتَشْفُوا بِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ . (۲)
قرآن را نیکو (و با دقت) تلاوت کنید ؛ زیرا که آن، سودمندترین داستان است از آن شفا جوئید ؛ زیرا که آن، شفای سینه‌هاست.

۲۲

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

لَا تُخْلَقُهُ كَثْرَةُ الرُّدِّ، وَوُلُوجُ السَّمْعِ. (۳)

قرآن هر اندازه هم تکرار شود و به گوش خورد، باز کهنه نمی‌شود.

۲۳

الإمام الصادق عليه السلام

لَمَّا سُئِلَ: مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عَلَى النَّشْرِ وَالدَّرْسِ إِلَّا غَضَاضَةً؟ - قَالَ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ

لِزْمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، وَلَا لِإِنْسَانٍ

(۱) البحار: ۷۷/۱۱۴/۸ و ۹۲/۱۹/۱۸.

(۲) غررالحکم: ۲۵۴۳.

(۳) نهج البلاغه: الخطبة ۱۵۶، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ۹/۲۰۳.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۱۷)

دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۱)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چه سری است که قرآن هر چه بیشتر خوانده و بحث شود، بر تازگی و طراوت آن افزوده می‌شود؟ حضرت فرمود: چون خدای تبارک و تعالی، آن را تنها برای زمانی خاص و مردمی خاص قرار نداده است. از این رو، در هر زمانی و برای هر مردمی، تا روز قیامت، تازه و باطراوت است.

۲۴

الإمام الرضا عليه السلام :

فِي صِفَةِ الْقُرْآنِ - : هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ، وَعُرْوَتُهُ الْوُثْقَى، وَطَرِيقَتُهُ الْمُثَلَى، أَلْمُؤَدَّى إِلَى الْجَنَّةِ، وَالْمُنْجَى مِنَ النَّارِ،

لَا يَخْلُقُ عَلَى الْأَعْزَمَانَةِ، وَلَا يَغْتُ عَلَى الْأَعْلِيَانَةِ، لِإِنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، يَلْ جُعِلَ دَلِيلَ الْبُرْهَانِ، وَالْحُجَّةَ عَلَى كُلِّ

إِنْسَانٍ، لِأَيَاتِهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ. (۲)

امام رضا علیه السلام، در وصف قرآن، می‌فرماید: قرآن ریسمان محکم خدا و دستگیره استوارش و راه برتر اوست که به بهشت می‌کشاند و از آتش می‌رهاند و بر اثر گذر زمان‌ها، کهنه نمی‌شود و بر سرزبان‌ها، انحطاط و تباهی نمی‌پذیرد؛ چرا که قرآن برای زمان خاصی قرار داده نشده. بلکه به عنوان راهنمای به سوی برهان و حجت بر هر انسانی در نظر گرفته شده است. نه از پیش رو و نه از پشت سرش باطل به آن راه نیابد، فرود آمده از سوی حکیمی ستوده، است.

(۱) البحار: ۹۲/۱۵/۸. و عن يعقوب بن السكيت النحوي قال: سألت أبا الحسن الثالث عليه السلام ما بال القرآن - و ذكر نحوه - البحار:

. ۹۲/۱۵/۹

(۲) عيون اخبار الرضا ۲/۱۳۰/۹۷.

(۱۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

قرآن همیشه به روز و تازه است

۲۵

عَيُونُ أَخْبَارِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنِ الرُّضَا، عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

أَنَّهُ سِئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزِدَادُ عَلَى النَّشْرِ وَالذَّرْسِ إِلَّا غَضًّا؟ فَقَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لَزْمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱).
 کتاب عیون اخبار الرضا (از شیخ صدوق "ره): "از حضرت رضا علیه السلام از پدرش علیهم السلام سؤال شد از امام ششم علیه السلام : چه دلیلی است در کار قرآن که در اثر نشر و درس آن زیاد نمی‌شود مگر تازگی و طراوت آن پس فرمود: این برای آن است که خداوند تبارک و تعالی آن را قرار نداده برای زمانی غیر زمان دیگر و نه برای مردمی غیر مردم دیگر (اختصاص به یک زمان و یک عده خاص ندارد) پس آن در هر زمانی تازه است و در نزد هر قومی تازه و نو رسیده است تا روز قیامت.

(۱) سَفِينَةُ الْبَحَارِ، شیخ عباس قمی، جلد چهارم .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۱۹)

قرآن شفادهنده بزرگ‌ترین بیمار بهاست

الکتاب

«وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا(۱)».

«و از قرآن آنچه را که برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است، نازل می‌کنیم (ولی) ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید».

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ(۲)».

«ای مردم! به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان، آمده است».

«وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْرَبِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ(۳)».

«و اگر این کتاب را قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم، قطعاً می‌گفتند: چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده است؟ کتابی غیر عربی و (مخاطب آن) عرب زبان؟ بگو: این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوشه‌هایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است و (گویی) آنان را از جایی دور ندا می‌دهند» .

۲۶

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

إِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِّنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ، وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النَّفَاقُ، وَ الْعَيْءُ وَ الضَّلَالُ(۴).

در قرآن، درمان بزرگ‌ترین دردهاست: درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی.

(۱) / اسراء ۸۲

(۲) / یونس ۵۷

(۳) / فصلت .

(۴) نهج البلاغه: الخطبة ۱۷۶، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ۱۰/۱۹.

(۲۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

الإمام الحَسَنُ عليه السلام :

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ وَشِفَاءُ الصُّدُورِ فَلْيَخِمْ جَالِ بَضْوَاهُ وَلْيَلْجِمِ الصَّفْهَةَ قَلْبَهُ ، فَإِنَّ التَّفَكِيرَ حَيَاةَ الْقَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ .

براستی که در این قرآن، چراغ‌های روشنایی (بخش) و شفای سینه‌ها (و بیماری‌های دلها) است . پس ، جلا دهنده ، باید که به نور آن (دیده دل خویش را) جلا دهد و قلبش را بدان صفت لگام زند ؛ زیرا که اندیشیدن مایه حیات دل شخص با بصیرت است ، همچنان که آدمی در تاریکی‌ها، با کمک نور راه خود را می‌پیماید .

۲۸

أمير المؤمنين عليه السلام :

عَلَيْكُمْ بكتابِ اللَّهِ ؛ فَإِنَّهُ الْجَبَلُ الْمَيْتِنُ ، وَ النُّورُ الْمَيْيْنُ ، وَ الشِّفَاءُ النَّافِعُ ... مَنْ قَالَ بِهِ صِدْقًا ، وَ مَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ . (۱)

بر شما باد به کتاب خدا، که آن ریسمان محکم و نور روشنگر و داروی سودمند و شفا بخش است... هر که به آن سخن گوید راست گفته است و هر که به آن عمل کند، پیشی گیرد. (۲)

(۱) نهج البلاغه: الخطبة ۱۵۶، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ۹/۲۰۳ .

(۲) به نظر می‌رسد اشاره حضرت این باشد که چنین کسی از جمله سابقون است که در آیه «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (۱۰ و ۱۱ / واقعه) به آن اشاره شده است.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۲۱)

قرآن شفای دردهای جسمی و روحی شماست

۲۹

إِنَّ الْقُرْآنَ هُوَ الدَّوَاءُ ، وَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ ، وَإِنَّ مَنْ لَمْ يَسْتَشْفِ بِهِ فَلَا شِفَاءَ لِلَّهِ ، وَ مَنْ قَرَأَ مَائَةَ آيَةٍ مِنْ أَيِّ آيِ الْقُرْآنِ شَاءَ ثُمَّ قَالَ سَبَّحَ مَرَّاتٍ : يَا اللَّهُ ، فَلَوْ دَعَا عَلَى الصُّخُورِ قَلَعَهَا . (۱)

به درستی که قرآن دواء است و به درستی که در آن شفا است از هر دردی و بدرستی که هر کس طلب تندرستی نکند از آن پس خداوند او را تندرست نگرداند و هر کس صد آیه آن را بخواند از هر جای قرآن که باشد پس هفت بار یاالله بگوید اگر بر سنگهای سخت نفرین کند خداوند آنها را از جا برمی‌کند .

قرآن ثروتی است که با آن تهی دستی نباشد

۳۰

الإمام الصادق عليه السلام :

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنِيٌّ لَا فَقْرَ بَعْدَهُ . (۲)

هر که قرآن خواندن بداند ، قرآن ثروتی است که با آن تهی دستی نباشد.

۳۱

أمير المؤمنين عليه السلام :

اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعِيدِ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقِهِ ، وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غَنِيِّ ؛ فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ ، وَ

اسْتَعِينُوا بِهٖ عَلٰى لَآءِ وَاِيْكُمْ .

(۱) سَفِيْنَةُ الْبِحَارِ، شيخ عباس قمی، جلد چهارم .

(۲) معانی الأخبار: ۲۷۹ .

(۲۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

بدانید که هیچ کس را پس از آموختن قرآن، نیازمندی نیست و هیچ کس را پیش از آموختن آن، توانگری نه . پس شفای دردهای خود را از قرآن بخواهید و در گرفتاری‌هایتان، از آن کمک طلبید.

۳۲

رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

مَنْ أُعْطِيَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا أُعْطِيَ أَكْثَرَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ عَظَّمَ صَغِيرًا وَصَغَّرَ كَبِيرًا. (۱)

به هر کس (نعمت دانستن) قرآن داده شود و با این حال گمان کند که به دیگری نعمتی بالاتر و بیشتر از این نعمت او داده شده‌است، بیگمان کوچکی را بزرگ شمرده و بزرگی را کوچک.

(انظر) الغنی: باب ۳۱۱۲.

بزرگی و شرافت انسان‌ها بستگی به نسبت آگاهی آنها به قرآن دارد

۳۳

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَضْحَابُ اللَّيْلِ. (۲)

اشراف و بزرگان امت من قرآن دانان و شب‌زنده‌داران هستند .

(۱) معانی الأخبار: ۲۷۹.

(۲) سَفِيْنَةُ الْبِحَارِ، شيخ عباس قمی، جلد چهارم .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۲۳)

علوم و اخبار موجود در قرآن

۳۴

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

فِي الْقُرْآنِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ ، وَخَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ ، وَحُكْمُ مَا بَيْنَكُمْ . (۱)

در قرآن اخبار پیشینیان و اخبار آیندگان و احکام امور جاری شما آمده است .

۳۵

عنه عليه السلام :

أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي، وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي، وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ، وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ . (۲)

بدانید، که در قرآن علوم مربوط به آینده و سخن از گذشته و داروی درد شما و آنچه مایه نظم و سامان میان شماست، وجود دارد.

۳۶

الإمامُ الصَّادقُ عليه السلام :

فِيهِ خَبْرُكُمْ وَ خَبْرُ مَنْ قَبْلَكُمْ وَ خَبْرُ مَنْ بَعْدَكُمْ وَ خَبْرُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَوْ أَتَاكُمْ مَنْ يُخْبِرُكُمْ
عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَّبْتُمْ. (۳)

اخبار مربوط به شما و پیشینیان و آیندگان شما و خبرهای آسمانها و زمین، در این قرآن است و اگر کسی بیاید که شما را از آنها آگاه کند، بیگمان شگفت زده خواهید شد .

(۱) نهج البلاغه: الحكمة ۳۱۳، شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد: ۱۹/۲۲۰ .

(۲) نهج البلاغه: الحكمة ۱۵۸، شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد: ۹/۲۱۷ .

(۳) الكافي: ۲/۵۹۹/۳ و ۱/۶۰/۶ .

(۲۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۳۷

الإمامُ الصَّادقُ عليه السلام :

مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَ لَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ الرِّجَالِ . (۱)

هیچ موضوعی نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر پیدا کنند، مگر این که ریشه آن در کتاب خدای عز و جل هست، اما خردهای مردم به آن نمی‌رسد.

آموختن قرآن

۳۸

الإمامُ الصَّادقُ عليه السلام :

يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلَمِهِ. (۲)

سزاوار است که مؤمن پیش از آن که بمیرد، قرآن را بیاموزد یا در حال آموختن آن بمیرد.

۳۹

رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله :

الْقُرْآنُ مَادِبَةُ اللَّهِ، فَتَعَلَّمُوا مَا أَدَبْتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ. (۳)

قرآن سفره ضیافت خداست . پس تا می‌توانید از ضیافت او فراگیرید .

(۱) الكافي: ۲/۵۹۹/۳ و ۱/۶۰/۶ .

(۲) الدعوات للراوندي: ۲۲۰/۶۰۰ .

(۳) البحار: ۹۲/۱۹/۱۸ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۲۵)

۴۰

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام :

تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ، وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ، وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ . (۱)

قرآن را بیاموزید، که آن نیکوترین سخن است. در آن اندیشه کنید، که آن بهار دلهاست. از نورش شفا

جویند، که آن شفابخش سینه‌هاست و نیکو (و با دقت) بخوانیدش؛ زیرا که آن سودمندترین داستان است.

۴۱

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السُّعَدَاءِ وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ الظِّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ ؛ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ. (۲)

اگر زندگی نیکبختان و مردن شهیدان و نجات در روز حسرت و داشتن سایه در روز سوزان و هدایت در روز گمراهی را می‌خواهید، قرآن را یاد بگیرید؛ زیرا که قرآن، سخن خدای مهربان و مایه حفظ از شیطان و سنگینی ترازو (ی اعمال) است.

(۱) نهج البلاغه: الخطبة ۱۱۰.

(۲) البحار: ۹۲/۱۹/۱۸.

(۲۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۴۲

عنه صلى الله عليه وآله :

خِيَارُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ. (۱)

بهترین شما، کسی است که قرآن را بیاموزد و (به دیگران) آموزش دهد.

۴۳

الإمام الصادق عليه السلام :

مَنْ مَاتَ مِنْ أَوْلِيَانَا وَ شَيْعَتِنَا وَ لَمْ يُحْسِنِ الْقُرْآنَ عُلِّمَ فِي قَبْرِهِ لِيُزَفَعَ اللَّهُ فِيهِ دَرَجَتَهُ، فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَيَقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ: اقْرَأْ وَ ارْزُقْ. (۲)

هر کس از دوستان و شیعیان ما که بمیرد و قرآن را خوب بلد نباشد، در قبرش قرآن به او آموخته شود تا خداوند به سبب آن درجه‌اش را بالا برد؛ زیرا درجات بهشت به اندازه شمار آیات قرآن است. پس به قرآن خوان گفته شود: بخوان و بالا رو.

ضرورت توجه به محتوای قرآن

۴۴

عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: كَمْ مِنْ قَارِي الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يُلْعَنُهُ! (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه بسیار از قاریان قرآن که قرآن آنها را (به دلیل عدم توجه به محتوا و پیام قرآن) لعنت می‌کند.

(۱) البحار: ۹۲/۱۸۶/۲.

(۲) البحار: ۹۲/۱۸۸/۱۰.

(۳) سفینة البحار، شیخ عباس قمی، جلد چهارم.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۲۷)

ثواب آموزش دادن قرآن

۴۵

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ، وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ. (۱)

از جمله حقوق فرزند بر پدر، این است که نامی نیکو براو بنهد و بخوبی تربیتش کند و قرآن را به او بیاموزد.

ترغیب به حفظ کردن قرآن

۴۶

الإمام الصادق عليه السلام :

الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبُرُورَةِ. (۲)

حافظ قرآن که به آن عمل کند، همراه فرشتگان پیغام آور ارجمند و نیکوکار، است.

۴۷

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

لَعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ - : أَعْلَمِيكَ دُعَاءَ لَا تَنْسِي الْقُرْآنَ ، قُلْ : اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعْصِيَتِكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي ، وَارْحَمْنِي مِنْ تَكْلِيفِ مَا لَا يَعْينِي ، وَارزُقْنِي حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا يُرِضِيكَ ، وَ أَلْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي ، وَارزُقْنِي أَنْ أَتْلُوهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرِضِيكَ عَنِّي . اللَّهُمَّ نَوِّزْ بَكْتَابِكَ بَصْرِي ، وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي ، وَ أَطْلِقْ بِهِ لِسَانِي ، وَاسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي ، وَ

(۱) نهج البلاغه : الحكمة ۳۹۹ .

(۲) الكافي : ۲/۶۰۳/۲ .

(۲۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

قَوْنِي بِهِ عَلَى ذَلِكَ ، وَ أَعِنِّي عَلَيْهِ ، إِنَّهُ لَا يُعِينُ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْتَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . (۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: دعایی به تو می آموزم که قرآن را فراموش نکنی ، بگو : بارخدا! به من رحمت آر که تا زنده هستم ، هیچ گاه نافرمانی تو نکنم و به من رحمت آر که در چیزهای بیهوده ، به زحمت نیفتم و نیک اندیشی در آنچه که تو را خشنود می کند ، روزیم فرما و حفظ کردن کتابت را آن گونه که به من آموختی با قلبم ملازم و همراه گردان و تلاوت آن را به گونه ای که تو را از من خشنود گرداند ، روزیم فرما . بارخدا! به وسیله کتابت دیده (بصیرت) مرا روشن گردان و سینه ام را فراخ ساز و زبانم را باز و گویا کن و پیکرم را در راه آن به کار گیر و در این باره با قرآن نیرویم بخش و بر آن کمکم فرما ، که در این زمینه جز تو کسی کمک نکند . معبودی جز تو نیست .

۴۸

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مِنْ دَعَائِهِ - :

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعْصِيَتِكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي ، وَارزُقْنِي حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا يُرِضِيكَ عَنِّي ، وَ أَلْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي ، وَاجْعَلْنِي أَتْلُوهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرِضِيكَ عَنِّي . اللَّهُمَّ نَوِّزْ بَكْتَابِكَ بَصْرِي ، وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي ، وَ أَطْلِقْ بِهِ لِسَانِي ، وَاسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي ، وَ قَوْنِي عَلَى ذَلِكَ ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ . (۲)

بارخدا! به من رحمت آر که تا زنده هستم ، هیچگاه نافرمانی تو نکنم و نیک اندیشی در هر آنچه که تو را خشنود می سازد ، روزیم فرما و حفظ کردن

(۱) البحار : ۹۲/۲۰۸/۵ .

(۲) قرب الإسناد : ۵/۱۶ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۲۹)

کتابت را بدان گونه که به من آموختی، بادللم ملازم و همراه گردان و چنان کن که قرآن را آن گونه که تو را از من خشنود می‌گرداند، تلاوت کنم. بار خدایا! دیده (بصیرت) مرا به کتابت روشن نما و به وسیله آن سینه‌ام را فراخ گردان و دلم را با آن شاد ساز و زبانه را به آن باز و گویا کن، بدنم را در راه آن به کار گیر و در این زمینه نیرویم بخش؛ زیرا که هیچ حرکت و قدرتی جز به وسیله تو نیست.

(انظر) الأمثال: باب ۳۶۱۷.

الترغیب و الترهیب: ۲/۳۶۰ «دعاء حفظ القرآن»

فهم قرآن

۴۹

و رُوِيَ أَنَّ رَجُلًا تَعَلَّمَ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْقُرْآنَ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (۱)، قَالَ: يَكْفِينِي هَذِهِ، وَأَنْصِرَ رَفَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنْصِرَ رَفَ الرَّجُلُ وَهُوَ فَقِيهٌ». (۲)

مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن می‌آموخت پس وقتی که رسید به گفتار خدای تعالی (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ... پس هر کس به اندازه سنگینی ذره‌ای کار خیر انجام داده آن را می‌بیند) گفت: همین یک آیه مرا کفایت می‌کند و برگشت. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این شخص در حالی از نزد ما رفت که فقیه (دانای به قرآن و دین) شد.

(۱) ۷-۸ / زلزال .

(۲) سَفِينَةُ الْبَحَارِ، شيخ عباس قمی، جلد چهارم .

(۳۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

تشویق به مرور کردن قرآن در ذهن

۵۰

الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

مَنْ نَسِيَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ مِثْلَتْ لَهُ فِي صُورَةِ حَسَنَةٍ وَ دَرَجَةٍ رَفِيعَةٍ ، فَإِذَا رَأَاهَا قَالَ: مَنْ أَنْتَ؟ مَا أَحْسَنَكَ! لَيْتَكَ لِي! فَتَقُولُ: أَمَا تَعْرِفُنِي؟ أَنَا سُورَةٌ كَذَا وَ كَذَا، لَوْ لَمْ تَنْسِنِي لَرَفَعْتُكَ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ. (۱)

هر کس سوره‌ای از قرآن را فراموش کند، آن سوره (در بهشت) به صورتی زیبا و درجه‌ای رفیع در برابرش مجسم می‌شود و چون او را ببیند، گوید: تو کیستی؟ چقدر زیبایی! کاش از آن من بودی. جواب دهد: مرا نمی‌شناسی؟ من فلان و بهمان سوره هستم. اگر مرا فراموش نکرده بودی، تو را به این مکان بالا می‌آوردم.

(انظر) وسائل الشیعة: ۴/۸۴۵ باب ۱۲

الکافی: ۲/۵۷۶

پاداش قرآن دانان

۵۱

رسول الله صلى الله عليه وآله :

حَمَلَةُ الْقُرْآنِ هُمُ الْمُحْفُوفُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ الْمَلْبُسُونَ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۲)

این قرآن دانانند که محاط در رحمت خدا و پوشیده به نور خدای عز و جل هستند.

۵۲

عنه صلى الله عليه وآله :

حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عُرَفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَ الْمَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قُودُهَا ، وَ الرُّسُلُ سَادَةٌ

(۱) ثواب الأعمال : ۲۸۳/۱ .

(۲) جامع الأخبار : ۱۱۵/۲۰۲ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۱)

أَهْلِ الْجَنَّةِ . (۱)

قرآن دانان، رؤسای (قبیله) بهشتیانند و مجاهدان در راه خدا، سرداران بهشت و پیامبران، سروران اهل بهشت هستند.

۵۳

أمير المؤمنين عليه السلام :

إِقْرَؤُوا الْقُرْآنَ وَ اسْتَظْهِرُوهُ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ قَلْبًا وَعَاءَ (۲) الْقُرْآنِ. (۳)

قرآن را بخوانید و آن را حفظ کنید ؛ زیرا خدای متعال دلی را که ظرف قرآن است، عذاب نمی کند.

آنچه که زبینه قرآن دان است

۵۴

رسول الله صلى الله عليه وآله :

إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخْشَعِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ وَ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ بِالصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ. (۴)

سزاوارترین مردم به خشوع داشتن نهانی و آشکار در برابر خدا، قرآن دان است. سزاوارترین مردم به نماز خواندن و روزه گرفتن در آشکار و نهان، قرآن دان است.

(۱) مستدرک الوسائل : ۱۱۷/۱۲۲۷۵ .

(۲) کذا فی المصدر، و الظاهر: وعى القرآن .

(۳) جامع الأخبار : ۱۱۵/۲۰۵ .

(۴) الکافی : ۲/۶۰۴/۵ .

(۳۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

تشویق به تلاوت قرآن

الکتاب

«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ». (۱)

«همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می کنند و نماز را به پای می دارند و از آنچه روزیشان کرده ایم، در نهان و آشکار،

انفاق می‌کند، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز کساد نمی‌شود».

۵۵

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

لِقَاحِ الْإِيمَانِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ. (۲)

بارور شدن ایمان به تلاوت قرآن است.

۵۶

عنه عليه السلام :

مَنْ أَنْسَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ لَمْ تُوَحِّشْهُ مُفَارَقَةُ الْإِخْوَانِ . (۳)

هر که به تلاوت قرآن انس گیرد، جدایی برادران او را به وحشت تنهایی نیندازد.

۵۷

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ، وَ سَتْرٌ فِي النَّارِ، وَ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ . (۴)

(۱) ۲۹ / فاطر

(۲) غررالحکم: ۷۶۳۳.

(۳) غررالحکم: ۸۷۹.

(۴) البحار: ۹۲/۱۷/۱۸.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۳)

برتو باد، خواندن قرآن؛ زیرا خواندن آن کفاره گناهان است و پرده‌ای در برابر آتش و موجب ایمنی از عذاب.

۵۸

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عِنْدَ خَتْمِهِ الْقُرْآنَ - : اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي ، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي ، وَ نَوِّزْ بِالْقُرْآنِ بَصِيرَتِي ، وَ أَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي ، وَ أَعِنِّي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ . (۱)

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : پس از ختم قرآن، این دعا را می‌خواند: بارخدایا! سینه‌ام را با قرآن فراخ گردان و بدنم را با (احکام) قرآن به کار گیر و دیده‌ام را با قرآن روشنایی بخش و زبانم را با قرآن باز و گویا کن و تا زنده‌ام، مرا برای عمل به

قرآن یاری فرما، که حرکت و قدرتی جز به وسیله تو نیست. البحار: ۹۲/۳۶۹ باب ۱۲۶

جایگاه انسان در بهشت متناسب با نسبت پایبندی به قرآن است

۵۹

إِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ: اقْرَأْ وَأَرْقَ . (۲)

درجات بهشت بر عدد آیات قرآن است، پس هنگامی که قیامت شود گفته می‌شود به خواننده قرآن بخوان و بالا رو.

(۱) البحار: ۹۲/۲۰۹/۶.

(۲) سَفِينَةُ الْبَحَارِ، شَيْخِ عَبَّاسِ قَمِي، جلد چهارم.

(۳۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

خواندن قرآن با صدای خوش

۶۰

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

إِنَّ حُسْنَ الصَّوْتِ زِينَةٌ لِلْقُرْآنِ . (۱)

صدای خوش، زیور قرآن است .

۶۱

عنه صلى الله عليه وآله :

زَيَّنُوا الْقُرْآنَ بِأَوَاتِكُمْ . (۲)

قرآن را با صداهای (خوش) خود، زینت بخشید.

۶۲

عنه صلى الله عليه وآله :

لَمَّا سُئِلَ عَنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ : مَنْ إِذَا سَمِعَتْ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ . (۳)

در پاسخ به این سؤال که چه کسی قرآن را از همه خوشتر می‌خواند ، فرمود : کسی که هرگاه قرآن خواندن او را بشنوی ، ترس و خشیت از خدا را در او ببینی .

(۱) البحار : ۹۲/۱۹۰/۲ .

(۲) البحار : ۹۲/۱۹۰/۲ و ص ۱۹۵/۱۰ .

(۳) البحار : ۹۲/۱۹۰/۲ و ص ۱۹۵/۱۰ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۵)

۶۳

عنه صلى الله عليه وآله :

إِنَّ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ الَّذِي إِذَا سَمِعْتُمُوهُ يَقْرَأُ حَسْبْتُمُوهُ يَخْشَى اللَّهَ . (۱)

از جمله خوش صداترین مردم در قرائت قرآن ، کسی است که وقتی بشنوی قرآن می‌خواند گمان بری که از خدا می‌ترسد .

۶۴

الإمام الصادق عليه السلام :

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ ، وَكَانَ السَّقَاوُونَ يَمُرُّونَ فَيَقْفُونَ بِبَابِهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ ، وَكَانَ أَبُو

جعفر عليه السلام أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا . (۲)

علی بن الحسین صلوات الله علیه قرآن را از همه مردم خوش تر می‌خواند . به طوری که وقتی سقاها از در خانه حضرت می‌گذشتند، می‌ایستادند و به صدای قرآن خواندن ایشان گوش می‌کردند. حضرت باقر علیه السلام ، نیز خوش آوازترین مردم بود .

۶۵

عنه صلى الله عليه وآله :

مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا حَسَنَ الصَّوْتِ. (۳)

خداوند عز و جل هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که خوش آواز بود .

(۱) الترغیب و الترهیب : ۲/۳۶۴/۹ .

(۲) الکافی : ۲/۶۱۶/۱۱ وح ۱۰ .

(۳) الکافی : ۲/۶۱۶/۱۱ وح ۱۰ .

(۳۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

حق تلاوت

الكتاب

«الَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْكِتَابُ يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱)»

«کسانی که به آنان کتاب دادیم، آن را چنان که حق تلاوت آن است، تلاوت می‌کنند. آنان به آن کتاب ایمان دارند و هر که به آن کفر ورزد، پس ایشان همان زیانکاراند» .

۶۶

أمير المؤمنين عليه السلام :

إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعَشَرٍ يَعِشُونَ جَهَالًا وَيَمُوتُونَ ضَلَالًا ، لَيْسَ فِيهِمْ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَى حَقَّ تِلَاوَتِهِ ، وَلَا سِلْعَةٌ أَنْفَقُ بَيْعًا وَلَا أَعْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ ! (۲)

به خدا شکایت می‌برم ، از جماعتی که نادان می‌زیند و گمراه می‌میرند . آن گاه که کتاب خدا چنان که باید و حق آن است، تلاوت شود، در میان آنان کالایی بی‌رونق‌تر از آن نیست و آن گاه که معانیش تحریف شود متاعی با رونق‌تر و پربهاتر از آن ، برایشان وجود ندارد .

۶۷

عنه عليه السلام :

إِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنَ الْحَقِّ ، وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ ... لَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَى حَقَّ تِلَاوَتِهِ ، وَلَا أَنْفَقَ مِنْهُ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ . وَلَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنْ

(۱) ۱۲۱ / بقره

(۲) نهج البلاغه: خطبه ۱۷ ، شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد : ۱/۲۸۴ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۷)

الْمَعْرُوفِ ، وَلَا اعْرَفَ مِنَ الْمُنْكَرِ ! فَقَدْ نَبَذَ الْكِتَابَ حَمَلْتُهُ ، وَتَنَاسَاهُ حَفَظْتُهُ ، فَالْكِتَابُ يَوْمَئِذٍ وَأَهْلُهُ طَرِيدَانِ مُنْفِيَانِ ... وَمَنْ قَبِلَ مَا مَثَلُوا بِالصَّالِحِينَ كُلِّ مَثَلَةٍ. (۱)

به زودی پس از من زمانی بر شما بیاید، که در آن زمان چیزی ناپیداتر از حق و پیداتر از باطل وجود ندارد... در میان مردم آن روزگار کالایی کسادتر از کتاب خدا، هر گاه که به درستی و چنان که حق آن است تلاوت شود، وجود ندارد و هر گاه معانیش تحریف شود، متاعی پر رونق‌تر از آن نیست. در شهرها چیزی ناپسندتر از کار نیک و پسندیده‌تر از کار زشت وجود ندارد؛ زیرا قرآن‌دانان آن را به کناری افکنده‌اند و حافظانش، آن را به دست فراموشی سپرده‌اند. در آن روزگار قرآن و اهل آن، مطرود هستند... و پیش از آن زمان، انواع سختی‌ها و شکنجه‌ها در حق درستکاران اعمال شد.

الإمام الصادق عليه السلام

فی قوله تعالى: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» - : يَرْتَلُونَ آيَاتِهِ وَيَتَفَهَّمُونَ مَعَانِيَهُ ، وَيَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ ، وَيَرْجُونَ وَعْدَهُ ، وَيَخْشَوْنَ عَذَابَهُ ، وَيَتَمَثَّلُونَ قِصَصَهُ ، وَيَعْتَبِرُونَ أَمْثَالَهُ ، وَيَأْتُونَ أَوْامِرَهُ ، وَيَجْتَنِبُونَ نَوَاهِيَهُ . مَا هُوَ وَاللَّهِ بِحَفِظِ آيَاتِهِ وَسِرِّدِ حُرُوفِهِ ، وَتِلَاوَةِ سُورِهِ وَدَرَسِ أَعْشَارِهِ وَأَخْمَاسَتِهِ ، حَفِظُوا حُرُوفَهُ وَأَضَاعُوا حُدُودَهُ ، وَإِنَّمَا هُوَ تَدَبُّرُ آيَاتِهِ ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» (۲).

(۱) نهج البلاغه ، الخطبة ۱۴۷ ، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ۹/۱۰۴ راجع تمام الخطبة.

(۲) تنبيه الخواطر : ۲/۲۳۶ .

(۳۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

درباره آیه «کسانی که به آنان کتاب دادیم ، آن را تلاوت می کنند آن گونه که حق تلاوت آن است» ، فرمود : آیاتش را روشن و شمرده می خوانند ، سعی می کنند معانی را بفهمند ، احکام و فرامینش را به کار می بندند ، به وعده اش امیدوارند ، از عذابش می ترسند ، از داستانهای سرمشق می گیرند ، از مثلهایش پند می گیرند ، امرهایش را به جا می آورند و از نهیهایش دوری می کنند . به خدا سوگند که حق تلاوت قرآن به حفظ آیات و پشت سر هم خواندن حروف و کلماتش و تلاوت سوره‌ای و بررسی شماره‌های آیات آن ، نیست . حروف و کلماتش را حفظ کردند و حدود و معانی را فرو گذاشتند ، جز این نیست که حق تلاوت قرآن به تدبّر و تأمل در آیات آن است؛ خدای متعال می فرماید: «کتابی است خجسته که سوی تو فرو فرستادیم ، تا در آیات آن تدبّر کنند» .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» - : يَتَّبِعُونَهُ حَقَّ اتِّبَاعِهِ. (۱)

درباره آیه «آن را تلاوت می کنند آن گونه که حق تلاوت آن است» ، فرمود : (یعنی) از آن چنان که باید و شاید ، پیروی می کنند .

(۱) الدر المثور : ۱/۲۷۲ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۹)

الإمام زين العابدين عليه السلام :

عِنْدَ خَتْمِهِ الْقُرْآنَ - : اللَّهُمَّ فَإِذَا أَفْذَنْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ وَسَهَّلْتَ جَوَاسِي السِّنِّتِ بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرَعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ ، وَيَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ. (۱)

پس از ختم قرآن ، می گفت : بارخدا ! اکنون که در تلاوت قرآن به ما کمک عطا فرمودی و زبان زمخت ما را به عبارت زیبا و لطیف قرآن روان ساختی ، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آن گونه که حق و سزاوار است رعایت می کنند (و به کار می بندند) و با اعتقاد به تسلیم در برابر آیات محکم آن ، تو را اطاعت می نمایند .

الإمام الحسن عليه السلام :

إِعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنْكُمْ ... لَنْ تَتْلُوا الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي حَرَّفَهُ ، فَإِذَا عَرَفْتُمْ ذَلِكَ عَرَفْتُمْ الْبِدْعَ وَ

التَّكْلِيفَ. (۲)

یقین بدانید که شما... کتاب خدا راهر گز، چنان که باید و شاید، تلاوت نخواهید کرد، مگر آن گاه که بشناسید چه کسی آن را تحریف می‌کند؛ زیرا که هر گاه آن را شناختید، بدعت‌ها و توجیهاات متکلفانه‌رامی شناسید.

(۱) الصحیفه السجادیه: ۱۵۸ الدعاء ۴۲.

(۲) البحار: ۷۸/۱۰۵/۳.

(۴۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۷۲

أمیر المؤمنین علیه السلام:

أین القوم الذین دُعوا إلی الإسلام فقبِلوه و قرؤوا القرآن فأحکموه؟ (۱)

کجایند آن مردمی که به اسلام فراخوانده شدند و آن را پذیرفتند و قرآن را خواندند و استوارش گردانیدند؟

۷۳

عنه علیه السلام:

أوه علی إخوانی الذین تلووا القرآن فأحکموه، و تدبّروا الفرض فأقاموه، أحووا السنّه و أماتوا البدعه، دُعوا للجهاد فأجابوا، و وثّقوا بالقائد فاتبّعوه! (۲)

دریغا، بر آن برادران من که قرآن را تلاوت کردند و استوارش گردانیدند و درباره فرایض، اندیشیدند و آن‌ها را برپا داشتند و سنت (پیامبر) را زنده نگه داشتند و بدعت را میراندند. به جهاد فراخوانده شدند و اجابت کردند و به رهبر خویش اطمینان کردند و از او پیروی نمودند.

دور افکندن قرآن

الکتاب

«وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ (۳)»

«و (یاد کن) هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان

(۱) نهج البلاغه: الخطبه ۱۲۱ و ۱۸۲.

(۲) نهج البلاغه: الخطبه ۱۲۱ و ۱۸۲.

(۳) آل عمران

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۴۱)

گرفت که حتما باید آن را (به وضوح) برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید. پس، آن (عهد) را پشت سر خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند و چه بد معامله‌ای کردند».

«وَ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ بَدَّ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱)»

«و آن گاه که فرستاده‌ای از جانب خدا برایشان آمد - که آنچه را با آنان بود تصدیق می‌داشت - گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند، چنان که گویی نمی‌دانند».

۷۴

الإمام الجواد عليه السلام :

و كُلُّ أُمَّيَةٍ قَدْ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ عِلْمَ الْكِتَابِ حِينَ نَبِيْدُوهُ و وَلَاهُمْ عِدْوَةٌ حِينَ تَوَلَّوْهُ، و كَانَ مِنْ نَبِيْدِهِمُ الْكِتَابَ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ و حَرَفُوا حُدُودَهُ، فَهُمْ يَرُوءُونَهُ و لَا يَرَعُونَهُ، وَالْجَهَالُ يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمْ لِلرَّوَايَةِ، وَالْعُلَمَاءُ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُهُمْ لِلرَّعَايَةِ. (۲)

هر امتی، آن گاه که کتاب آسمانی خود را رها کرد و دور افکند، خداوند علم آن را از آنان گرفت و آن گاه که دشمنان خود را به دوستی و سرپرستی گرفتند، خداوند آن دشمنان را بر ایشان ولایت و حکومت داد. دورافکندن کتاب، به این بود که حروف و کلمات آن را برپا داشتند و معانیش را تحریف کردند؛ کتاب را می‌خوانند و روایت می‌کنند اما آن را رعایت نمی‌کنند و به کار نمی‌بندند. نادانان از اینکه آن را خوب می‌خوانند و حفظ می‌کنند، خوشحالند و دانایان از اینکه آن را رعایت نمی‌کنند و به کار نمی‌بندند، اندوهناکند.

(۱) ۱۰۱ / بقره

(۲) الکافی : ۸/۵۳/۱۶.

(۴۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۷۵

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَدَخَلَ النَّارَ فَهُوَ مَمَّنْ كَانَ يَتَّخِذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا. (۱)

هر که قرآن خوان باشد و بمیرد و (با این حال) به دوزخ رود، او از کسانی بوده که آیات خدا را به ریشخند می‌گرفته است.

آداب قرائت قرآن

۱- تمیز کردن دهان

۷۶

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

نَظَّفُوا طَرِيقَ الْقُرْآنِ، قِيلَ: يَارَسُولَ اللَّهِ، و مَا طَرِيقُ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: أَفْوَاهُكُمْ، قِيلَ: بِمَاذَا؟ قَالَ: بِالسُّوَاكِ؟ (۲)

گذرگاه قرآن را نظافت کنید. عرض شد: ای رسول خدا، گذرگاه قرآن چیست؟ فرمود: دهانهایتان؛ عرض شد: با چه تمیزش کنیم؟ فرمود: با مسواک زدن.

۲- پناه بردن به خدا

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (۳)

«پس هرگاه قرآن خواندی، از شیطان رجیم به خدا پناه بر.»

(۱) نهج البلاغه : الحكمة ۲۲۸ .

(۲) البحار : ۹۲/۲۱۳/۱۱ .

(۳) ۹۸ / نحل

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۴۳)

الإمام الصادق عليه السلام :

أغلقوا أبواب المعصية بالإستعاذه، وافتحوا أبواب الطاعة بالتسميه . (۱)

درهای معصیت را با استعاذه (گفتن جمله «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم») ببندید و درهای طاعت را با تسمیه (گفتن جمله «بسم الله الرحمن الرحیم») بگشایید .

الإمام الصادق عليه السلام :

لَمَّا سُئِلَ عَنِ التَّعَوُّذِ عِنْدَ افْتِتَاحِ كُلِّ سُورَةٍ - : نَعَمْ، فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَ ذَكَرَ أَنَّ الرَّجِيمَ أَخْبَثُ الشَّيَاطِينِ . (۲)

در پاسخ به سؤال از استعاذه در هنگام شروع هر سوره‌ای، فرمود: آری، از شیطان رجیم و فرمود که رجیم، پلیدترین شیاطین است، به خدا پناه بر .
(انظر) عنوان ۳۷۹ «الاستعاذه»

۳- ترتیل (روشن و شمرده خواندن)

«أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً (۳)»

«یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان».

(۱) البحار : ۹۲/۲۱۶/۲۴ .

(۲) تفسیر العیاشی : ۲/۲۷۰/۶۸ .

(۳) ۴ / مَزْمَل

(۴۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً»: بَيَّنَّهُ تَبْيَانًا، وَ لَا تَنْتَوِّهُ نَثْرَ الرَّمْلِ، وَ لَا تَهْدُهُ هَيْدَ الشَّعْرِ، قَفُوا عِنْدَ عَجَائِبِهِ، حَرِّكُوا بِهِ الْقُلُوبَ، وَ لَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ. (۱)

درباره آیه «و رتل القرآن ترتیلاً» فرمود: قرآن را روشن و شمرده بخوان و آن را مانند تخم علف پاش مده و همچون شعر به شتاب و بریده و بریده بخوان . در شکفتیه‌هایش درنگ کنید ، دل‌ها را با آن به تپش و حرکت درآورد و همه کوشش شما این نباشد که سوره را به آخر برسانید .

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

أَيْضًا - بَيَّنَّهُ تَبْيَانًا وَ لَا - تَهْدُهُ هَيْدَ الشَّعْرِ وَ لَا - تَنْتَوِّهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَ لَكِنْ أَفْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَ لَا - يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ . (۲)

نیز درباره همین آیه، می‌فرماید: قرآن را روشن و واضح بخوان و مانند شعر به شتاب و بریده‌مخوان و چون ریگ پراکنده اش مساز. بلکه دل‌های سخت خود را (به وسیله آن) به بیم و هراس افکنید و تمام سعی شما این نباشد که سوره را به پایان برید.

عنه عليه السلام :

أَمَّا اللَّيْلَ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ ، تَالَيْنَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً . يُحْزَنُونَ
(۱) نوادر الزاوندی : ۳۰ .

(۲) الکافی : ۲/۶۱۴/۱ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۴۵)

بِهِ أَنْفُسُهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ . (۱)

در وصف پرهیزگاران، می‌فرماید: شب هنگام به پامی خیزند و آیات قرآن را با تأمل و شمرده می‌خوانند و جان‌هایشان را با خواندن آن اندوهناک می‌سازند و داروی درد و بیماری خود را در آن می‌جویند.

۴- تدبیر

«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» . (۲)

«آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل‌ها زده شده است؟»

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» . (۳)

«کتابی است فرخنده که آن را سوی تو فرود فرستادیم، تا در آیاتش تدبیر کنند و خردمندان پند گیرند.»

«أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ» . (۴)

«آیادر (عظمت) این سخن نیندیشیده‌اند، یا چیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنها نیامده است؟»

«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» . (۵)

«آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ اگر از نزد غیر خدا بود، هر آینه در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.»

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام :

أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ ، أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا تَفَقُّهُ . (۶)

(۱) نهج البلاغه: الخطبة ۱۹۳ .

(۲) ۲۴ / محمد

(۳) ۲۹ / ص

(۴) ۶۸ / مؤمنون

(۵) ۸۲ / نساء

(۶) البحار : ۹۲/۲۱۱/۴ و ص ۲۱۶/۲۲ .

(۴۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

بدانید که در قرآن خواندنی که با تدبیر همراه نباشد ، خیری نیست ؛ بدانید که در عبادتی که با فهم توأم نباشد ، خیری نیست .

الإمام زين العابدين عليه السلام :

آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنُ الْعِلْمِ ، فَكَلِّمًا فَتَحَتْ خِزَانَةً فَيَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ فِيهَا . (۱)

آیه‌های قرآن گنجینه‌های دانش هستند. پس، هرگاه گنجینه‌ای گشوده شد، شایسته است که در آن نظرافکنی.

۸۴

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ اعْتَبِرُوا بِهِ ، فَإِنَّهُ أبلغُ الْعِبَرِ . (۲)

در آیات قرآن تدبّر کنید و از آن عبرت آموزید؛ زیرا که قرآن رساترین پندها و عبرتهاست.

۸۵

الإمامُ الصَّادقُ عليه السلام :

لَمَّا سُئِلَ عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةٍ - : لا يُعْجِبُنِي أَنْ تَقْرَأَهُ فِي أَقْلٍ مِنْ شَهْرٍ . (۳)

(۱) البحار : ۹۲/۲۱۱/۴ و ص ۲۱۶/۲۲ .

(۲) غررالحکم : ۴۴۹۳ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۴۷)

در پاسخ به سؤال از ختم کردن قرآن در یک شب، فرمود: خوش ندارم که آن را در کمتر از یک ماه بخوانی.

(انظر) العبادة: باب ۲۴۹۱ .

۵- خشوع

«الْمَ يَأْنُ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ (۱)» .

«آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند زمان آن نرسیده است که دل‌هایشان برای یاد خدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع شود و چونان کسانی نباشند که پیش از این به آنها کتاب (آسمانی) داده شده و روزگاردرازی بر آنها گذشت و پس دل‌هایشان سخت شد و بسیاری از آنان فاسقانند؟»

۸۶

كَانَ [الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَرِيقِ خُرَاسَانَ] يَكْتَبُ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ، فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ . (۲)

در راه سفر به خراسان، شب‌ها در بسترش بسیار قرآن می‌خواند و هرگاه به آیه‌ای که در آن از بهشت یا آتش یاد شده بود می‌رسید، می‌گریست و بهشت را از خدا مسألت می‌کرد و از آتش به او پناه می‌برد.

۸۷

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

أَنْبَى لَأَعْجَبُ كَيْفَ لَا أَشِيبُ إِذَا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ ! (۳)

من در شگفتم که وقتی قرآن می‌خوانم، چگونه مویم سفید نمی‌شود.

(۱) الکافی : ۲/۶۱۷/۱ .

(۲) ۱۶ / حدید

(۳) عیون أخبار الرضا عليه السلام : ۲/۱۸۲/۵ .

(۴) البحار : ۱۶/۲۵۸/۴۲ .

(۴۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

تلاوت‌های ممنوع

۸۸

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

أَفْرُؤُوا الْقُرْآنَ بِاللَّحَنِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونَ أَهْلِ الْفِسْقِ وَأَهْلِ الْكِبَايِرِ؛ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ، لَا يَجُوزُ تَرَاقِيَهُمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةً وَقُلُوبٌ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ. (۱)

قرآن را با لحنها و آوازهای عرب بخوانید و از (به کاربردن) لحنهای فاسقان و گنهکاران دوری کنید؛ زیرا بزودی پس از من مردمانی بیایند که صدای قرآن خواندشان را، همچون آوازه خوانی و نوحه‌گری و سرودخوانی کشیشان، در گلو بچرخانند و از گلویشان فراتر نرود. دلهایشان و دلهای کسانی که از قرآن خواندن آنها خوششان آید، وارونه است.

۸۹

عنه صلى الله عليه وآله :

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالذِّينِ ... وَأَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَزَامِيرَ. (۲)
نگرانی من برای شما این است که دین را سبک شمارید... و قرآن را وسیله آواز کنید.

کسی که قرآن لعنتش می‌کند

۹۰

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

رُبَّ تَالٍ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ. (۳)

ای بسا قرآن خوانی، که قرآن لعنتش می‌کند.

(۱) الکافی: ۲/۶۱۴/۳.

(۲) البحار: ۹۲/۱۹۴/۸.

(۳) البحار: ۹۲/۱۸۴/۱۹.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۴۹)

۹۱

عنه صلى الله عليه وآله :

أَنْتَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَا نَهَاكَ، فَإِذَا لَمْ يَنْهَكَ فَلَسْتَ تَقْرؤه. (۱)

تو تا زمانی قرآن می‌خوانی که تو را (از گناهان) باز دارد. پس اگر باز نداشت، قرآن نخوانده‌ای.

قاریان نابکار

۹۲

مصباح الشريعة: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

أَكْثَرُ مُنَافِقِي أُمَّتِي قُرَاؤُهَا. (۲)

مصباح الشریعه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیشتر منافقان امت من، قاریان آن هستند.

۹۳

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

إِنَّ فِي جَهَنَّمَ رَحَاءً مِنْ حَدِيدٍ تُطْحَنُ بِهَا رُؤُوسُ الْقُرَّاءِ ، وَ الْعُلَمَاءِ الْمُجْرِمِينَ . (۳)
در دوزخ آسیابی آهنی است، که با آن سرهای قاریان و علمای گنهکار آرد می‌شود.

۹۴

الإمام الباقر عليه السلام :

مَنْ دَخَلَ عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَقَرَأَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِذَلِكَ عَرْضًا مِنْ عَرْضِ الدُّنْيَا
(۱) شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید: ۱۰/۲۳ .

(۲) مصباح الشریعه : ۳۷۳ .

(۳) جامع الأخبار : ۱۳۰/۲۵۴ .

(۵۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

لُعِنَ الْقَارِئُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ لَعْنَاتٍ وَ لُعِنَ الْمُسْتَمِعُ بِكُلِّ حَرْفٍ لَعْنَةً . (۱)

هر کس نزد پیشوایی ستمگر برود و به قصد رسیدن به مال و منالی از دنیا برای او قرآن بخواند، قاری درازای هر حرفی که می‌خواند ده لعنت می‌شود و شنونده برای هر حرفی یک لعنت .

۹۵

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ لِلدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ . (۲)

هر کس قرآن را برای دنیا و زیور آن فراگیرد ، خداوند بهشت را بر او حرام گرداند . (انظر) العلم: باب ۲۸۹۳ .

گونه‌های قاریان

۹۶

الإمام الصادق عليه السلام :

الْقُرَّاءُ ثَلَاثَةٌ : قَارِئٌ قَرَأَ (الْقُرْآنَ) لِيَسْتَدِرَّ بِهِ الْمُلُوكَ وَ يَسْتَطِيلَ بِهِ عَلَى النَّاسِ فَذَاكَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ ، وَ قَارِئٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَ ضَبَّحَ حِدُودَهُ فَذَاكَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ ، وَ قَارِئٌ قَرَأَ (الْقُرْآنَ) فَاسْتَتَرَ بِهِ تَحْتَ بُرْنِسِهِ فَهُوَ يَعْمَلُ بِمُحْكِمِهِ وَ يُؤْمِنُ بِمُتَشَابِهِهِ وَ يُقِيمُ فَرَائِضَهُ وَ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَهُ فَهَذَا مِمَّنْ يُنْقِذُهُ اللَّهُ مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ وَ هُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ يُشَفَّعُ فِيْمَنْ شَاءَ . (۳)

(۱) الاختصاص : ۲۶۲ .

(۲) البحار : ۷۷/۱۰۰/۱ .

(۳) الخصال : ۱۴۳/۱۶۵ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۵۱)

قاریان سه گونه‌اند : قاریی که قرآن می‌خواند ، تا بدان وسیله از شاهان به نوایی برسد و بر مردم فخر و بزرگی فروشد ، چنین کسی از دوزخیان است . قاریی که قرآن می‌خواند و حروف و کلماتش را حفظ می‌کند ، اما معانیش را رها می‌کند . این نیز از دوزخیان است و قاریی که قرآن می‌خواند و با آن در زیر کلاه برک خود پنهان می‌شود و به آیات محکم آن عمل می‌کند و به

آیات متشابهش ایمان می‌آورد و فرایضش را به جا می‌آورد و حلالش را حلال و حرامش را حرام می‌شمارد؛ این قاری از کسانی است که خداوند او را از گمراهی‌های فتنه نجات می‌دهد و از بهشتیان است و درباره هر که خواهد، شفاعت می‌کند.

۹۷

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

قُرْأَةُ الْقُرْآنِ ثَلَاثَةٌ : رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً فَاسْتَجْرَبَهُ الْمَلُوكَ وَاسْتَيْمَالَ بِهِ النَّيَّاسَ ، وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَأَقَامَ حُرُوفَهُ وَ ضَيَّعَ حُدُودَهُ ، كَثُرَ هَوْلًا مِنْ قُرْأَةِ الْقُرْآنِ لِأَنَّ كَثْرَتَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى ! وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ فَأَسْرَهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَ أظْمَأَ بِهِ نَهَارَهُ ، وَ قَامُوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ حَبَّوْا بِهِ تَحْتَ بَرَانِسِهِمْ ، فَهَوْلًا يَدْفَعُ اللَّهُ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ . (۱)

قاریان قرآن سه گونه‌اند: مردی که قرآن می‌خواند و آن را وسیله‌ای برای سودجویی از شاهان و جلب توجه مردم قرار می‌دهد و مردی که قرآن می‌خواند و الفاظ و کلماتش را برپای می‌دارد و معانیش را فرومی‌گذارد. این دسته از قاریان قرآن تعدادشان زیاد است و خدا امثال آنها را زیاد نکند و مردی که قرآن

(۱) میزان الحکمه، آیه‌الله محمدی ری شهری، جلد دهم.

(۵۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

می‌خواند و دارو و مرهم قرآن را بر روی درد دل خویش می‌نهد. شبش را با آن به بیداری می‌گذراند و روزش را با آن به تشنگی سپری می‌کند. (آن را) در مسجدهایشان به پا می‌دارند و زیر کلاه برکیهای خود می‌خزاندش. اینانند که خداوند به برکت وجودشان، بلا را می‌گرداند و دشمنان را از میان می‌برد و باران آسمان را فرو می‌فرستد؛ به خدا سوگند که این قاریان از کبریت احمر کمیاب‌ترند.

۹۸

الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَعَلَّمُ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ : فَلَانٌ قَارِئٌ ! وَ مِنْهُمْ مَنْ يَتَعَلَّمُهُ فَيَطْلُبُ بِهِ الصَّوْتِ فَيَقَالُ : فَلَانٌ حَسَنُ الصَّوْتِ ! وَ لَيْسَ فِي ذَلِكَ خَيْرٌ ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَتَعَلَّمُهُ فَيَقُومُ بِهِ فِي لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ ، لِأَيُّبَالِي مَنْ عَلِمَ ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ يَعْلَمْهُ . (۱)

برخی از مردم قرآن را فرامی‌گیرند، برای این که بگویند فلانی قاری است. برخی آن را می‌آموزند، تا با صدای خوش بخوانند و مردم بگویند فلانی صوتی خوش دارد. در این‌ها خیری نیست (کارشان ارزشی ندارد). برخی هم قرآن را فرامی‌گیرند و شب و روزشان را با آن به سر می‌برند و اهمیتی نمی‌دهند که کسی این مطلب را می‌داند یا نمی‌داند.

۹۹

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِهِ السُّمْعَةَ وَ التَّمَّاسَ شَيْءٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ عَظِيمٌ لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ ... وَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى فَيَقُولُ : «رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى...؟!» (۲)

(۱) الکافی، ۲/۶۰۸/۶.

(۲) ثواب الأعمال : ۳۳۷/۱.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۵۳)

هر که برای شهرت طلبی و رسیدن به چیزی قرآن بخواند، در روز قیامت با چهره‌ای استخوانی و بی‌گوشت، خدای عز و جل را دیدار کند... و هر که قرآن بخواند و به آن عمل نکند، خداوند در روز قیامت او را کور محشور گرداند،

پس بگوید: «پروردگارا! چرا مرا کور محشور کردی...».

(انظر) العلم: باب ۲۸۶۷.

آداب گوش دادن به قرآن

الكتاب

«وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱)».

«هرگاه قرآن خوانده شود، به آن گوش دهید و خاموش بمانید، شاید که مورد رحمت قرار گیرید».

«قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّداً. وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً. وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشوعاً (۲)».

«بگو: به آن ایمان بیاورید یا ایمان نیاورید، همانا کسانی که پیش از آن علم داده شده‌اند، هرگاه (قرآن) بر آنان تلاوت شود، به چانه‌ها به خاک سجده می‌افتند و می‌گویند: منزّه است پروردگار ما، همانا وعده پروردگار ما شدنی است. و به چانه‌ها به خاک می‌افتند (و) می‌گریند و بر کرنش آنها افزوده می‌شود».

«أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّداً وَبُكِيًّا (۳)».

«آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند برایشان نعمت ارزانی داشت: از فرزندان آدم

(۱) ۲۰۴ / اعراف

(۲) ۱۰۷ - ۱۰۹ / اسراء

(۳) ۵۸ / مریم

(۵۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

بودند و از کسانی که همراه نوح (بر کشتی) سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که (آنان را) هدایت نمودیم و برگزیدیم (و) هرگاه آیات (خدای) رحمان بر آنان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند».

«أَلَمْ يَرَأَنَّ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱)».

«آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند وقت آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم (و فروتن) گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شده (و عمر و) انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟»

۱۰۰

الإمام الصادق عليه السلام :

لَمَّا سَأَلَهُ زُرَّارَةُ عَنْ وُجُوبِ الْأَنْصَاتِ وَالْإِسْتِمَاعِ عَلَى مَنْ يَسْمَعُ الْقُرْآنَ - : نَعَمْ ، إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ عِنْدَكَ فَقَدْ وَجِبَ عَلَيْكَ الْإِسْتِمَاعُ وَالْأَنْصَاتُ. (۲)

در پاسخ سؤال زراره از وجوب خاموش ماندن و گوش دادن بر کسی که قرآن را می‌شنود، فرمود: آری، هرگاه قرآن در حضور تو خوانده شد، واجب است که گوش کنی و خاموش مانی.

۱۰۱

الإمام الباقر عليه السلام :

إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ» يَعْنِي فِي الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ

(۱) / ۱۶ / حدید

(۲) البحار: ۹۲/۲۲۲/۷ و ص ۲۲۱/۳ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۵۵)

«فَاسْتَمِعُوا...» (۱)

خداوند به مؤمنان می‌فرماید: «هرگاه قرآن خوانده شد» یعنی در نماز واجب پشت سر امام جماعت، «پس گوش کنید...» .

ظاهر و باطن قرآن

۱۰۲

الإمام زين العابدين عليه السلام :

كُتِبَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ، وَاللِّطَائِفِ، وَالْحَقَائِقِ. فَالْعِبَارَةُ لِلْعِيَاظِ، وَالْإِشَارَةُ لِلخَوَاصِّ، وَاللِّطَائِفُ لِلأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلأَنْبِيَاءِ. (۲)

کتاب خدای عزوجل بر چهار چیز است: عبارت (ظاهر)، اشاره، لطایف و حقایق. عبارت برای عامه مردم است، اشاره برای خواص، لطایف برای اولیاء و حقایق برای انبیاء.

۱۰۳

الإمام الباقر عليه السلام :

إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنَ، وَ لِلْبَطْنِ بَطْنَ، وَ لَهُ ظَهْرٌ، وَ لِلظَّهْرِ ظَهْرٌ، ... وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، إِنَّ الْآيَةَ لَتَكُونُ أَوْلَهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي

(۱) البحار: ۹۲/۲۲۲/۷ و ص ۲۲۱/۳ .

(۲) البحار: ۹۲/۲۰/۱۸ و ص ۹۵/۴۸ .

(۵۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

شئی، و هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ يَتَصَرَّفُ عَلَى وُجُوهِهِ. (۱)

همانا قرآن باطنی دارد و باطنش نیز باطنی دارد. و ظاهری دارد و ظاهرش نیز ظاهری دارد... از دسترس خرد مردان چیزی دورتر از تفسیر قرآن نیست؛ (زیرا) آیه قرآن آغازش درباره چیزی است و پایانش درباره چیزی دیگر. درحالی که آن گفتاری پیوسته است که به شکل‌ها و معانی گوناگون حمل می‌شود.

۱۰۴

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَيْقُنْ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ. (۲)

قرآن ظاهرش زیبا و شگفت‌انگیز است و باطنش ژرف.

۱۰۵

الإمام الصادق عليه السلام :

القرآنُ كُلُّهُ تَقْرِيعٌ، وَ بَاطِنُهُ تَقْرِيْبٌ. (۳)

قرآن سراسر کوبنده است و باطنش نزدیک کننده.

(انظر) البحار: ۹۲/۷۸ باب ۸.

پرهیز از تفسیر به رأی

۱۰۶

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ : مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي. (۴)

به من ایمان نیاورده است، کسی که سخن مرا بر اساس رأی خودش تفسیر کند.

(۱) البحار: ۹۲/۲۰/۱۸ و ص ۹۵/۴۸.

(۲) نهج البلاغه: الخطبة ۱۸.

(۳) معانی الأخبار: ۲۳۲/۱.

(۴) البحار: ۹۲/۱۰۷/۱ و ص ۱۱۰/۱۱.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۵۷)

۱۰۷

الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَأَصَابَ لَمْ يُؤْجِزْ، وَ إِنْ أَخْطَأَ كَانَ إِثْمُهُ عَلَيْهِ. (۱)

کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند و تفسیرش درست باشد، مأجور نیست و اگر نادرست باشد، گناهِش به گردن اوست.

۱۰۸

عنه صلى الله عليه وآله :

مَنْ تَكَلَّمَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ فَأَصَابَ فَقَدْ أَخْطَأَ. (۲)

هر که در قرآن مطابق نظر خود سخن بگوید و سخنش درست هم باشد، باز خطا کرده است.

۱۰۹

عنه صلى الله عليه وآله :

مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَغَيْرِ مَا عَلِمَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلْجَمًا بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ. (۳)

هر که در باب قرآن ندانسته چیزی بگوید، روز قیامت درحالی آورده شود که لگامی از آتش بر او زده شده است.

۱۱۰

عنه صلى الله عليه وآله :

أَكْثَرُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ يَتَأَوَّلُ الْقُرْآنَ يَضَعُهُ عَلَى غَيْرِ مَوَاضِعِهِ. (۴)

بیشترین چیزی که بعد از خود برای امتم از آن می‌ترسم، مردی است که قرآن را

(۱) البحار: ۹۲/۱۰۷/۱ و ص ۱۱۰/۱۱.

(۲) البحار : ۹۲/۱۱۱/۲۰ .

(۳) البحار : ۹۲/۱۱۱/۲۰ .

(۴) منیه المرید : ۳۶۹ .

(۵۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

تاویل نابجا کند .

۱۱۱

أمیر المؤمنین علیه السلام :

مِن كِتَابٍ لَهُ إِلَىٰ مَعَاوِيَةَ - فَعَدَوْتُ عَلَى الدُّنْيَا بِتَأْوِيلِ الْقُرْآنِ. (۱)

در نامه‌ای به معاویه ، می‌فرماید: با تاویل قرآن ، در پی دنیا تاختی .

(انظر) عنوان ۱۷۶ «الرأی (۲)»

تفسیر المیزان: ۳/۴۴ «ما معنی التأویل؟»

قرآن شناس کیست؟

۱۱۲

الإمام الباقر علیه السلام :

لِقَتَادَةَ بْنِ دِعَامَةَ - يَا قَتَادَةَ ، أَنْتَ فَقِيهُ أَهْلِ الْبَصْرَةِ ؟ فَقَالَ : هَكَذَا يَزْعُمُونَ ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بَلَّغْنِي أَنْتَكَ تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ ، قَالَ

لَهُ قَتَادَةُ : نَعَمْ ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بَعِلِمِ تَفْسِيرَهُ أَمْ بِجَهْلٍ ؟ قَالَ : لَا ، بَعِلِمِ - إِلَى أَنْ قَالَ - يَا قَتَادَةَ ، إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ. (۲)

به قتاده بن دعامه فرمود : ای قتاده ! تو فقیه بصریان هستی ؟ عرض کرد : این طور خیال می‌کنند . امام باقر علیه السلام

فرمود : شنیده‌ام که تفسیر قرآن می‌گویی . قتاده عرض کرد : آری . امام باقر علیه السلام فرمود : از روی علم تفسیرش

می‌کنی یا از روی ناآگاهی ؟ عرض کرد : نه ، از روی علم - تا آنجا که فرمود - ای قتاده ! قرآن را در حقیقت کسی

می‌شناسد ، که مخاطب آن بوده است .

(۱) نهج البلاغه : الكتاب ۵۵ .

(۲) الکافی : ۸/۳۱۱/۴۸۵ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۵۹)

۱۱۳

أمیر المؤمنین علیه السلام :

ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ ، وَلَنْ يَنْطِقَ ، وَلَكِنْ أُخْبِرْكُمْ عَنْهُ. (۱)

این قرآن است، پس آن را به زبان آورید، اما او هرگز (خودش) سخن نخواهد گفت، بلکه من شما را از

آن آگاه می‌کنم .

۱۱۴

أمیر المؤمنین علیه السلام :

فِي تَوْصِيفِ عِتْرَةِ النَّبِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - : هُمْ أَرْمَةُ الْحَقِّ ، وَ أَعْلَامُ الدِّينِ ، وَ أَلْسِنَةُ الصِّدْقِ ، فَأَنْزِلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ ،

وَرُدُّوهُمْ وَرُودَ الْهَيْمِ الْعِطَاشِ. (۲)

در وصف عترت پیامبر صلوات الله علیهم ، می فرماید : آنان زمام‌های حق هستند (شما را به سوی حق می کشانند) و نشانه‌های دین و زبان‌های راستی و راستگویی . پس آنان را در بهترین منزلگاه‌های قرآن فرود آورید و همچون اشتران تشنه به سوی آنها بشتابید.

۱۱۵

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام :

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ ، وَقُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ ، عَلَيْهَا يَسْتَدِيرُ مُحْكَمُ الْقُرْآنِ ، وَبِهَا نُوَهَّتِ الْكُتُبُ (۳) وَ يَسْتَيِّنُ الْإِيمَانَ . (۴)

(۱) نهج البلاغه: الخطبة ۱۵۸، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ۹/۲۱۷ .

(۲) نهج البلاغه: الخطبة ۸۷ .

(۳) فی البحار : ۹۲/۲۷/۲۹ «و بها يوهبُ الكتب».

(۴) تفسیر العیاشی : ۱/۵/۹ .

(۶۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

خداوند ولایت ما ، اهل بیت ، را قطب قرآن و قطب همه کتاب‌ها (ی آسمانی) قرار داده است ، که قرآن محکم بر گرد آن می چرخد و به آن ولایت ، کتاب‌ها (ی الهی) نداء می دهد و ایمان روشن و آشکار می شود .

انواع آیات قرآن

الكتاب

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»

«او کسی است که این کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیاتی محکم (صریح و روشن) است. آنها اساس کتابند و (پاره‌ای) دیگر متشابهاتند (که تأویل پذیرند). اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن (به دلخواه خود)، از متشابه آن پیروی می کنند؛ با آن که تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. (آنان که) می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه (چه محکم و چه متشابه) از جانب پروردگار ماست. و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود» .

۱۱۶

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى خَمْسَةٍ وَجْوهٍ : حَلَالٍ ، وَ حَرَامٍ ، وَ مُحْكَمٍ ، وَ مُتَشَابِهٍ ، وَ أَمْثَالٍ . فَأَعْمَلُوا بِالْحَلَالِ ، وَ دَعُوا الْحَرَامَ وَاعْمَلُوا بِالْمُحْكَمِ ، وَ دَعُوا الْمُتَشَابِهَ ، وَاعْتَبِرُوا بِالْأَمْثَالِ . (۱)

(۱) البحار : ۹۲/۱۸۶/۳ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۶۱)

قرآن، بر پنج وجه نازل شده است: حلال و حرام و محکم و متشابه و مثل‌ها. پس به حلال عمل کنید و از حرام بازایستید و محکم را به کار بندید و بامتشابه کاری نداشته باشید و از مثل‌ها عبرت بگیرید.

۱۱۷

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

أَنْزَلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ: آمِرٌ، وَ زَاجِرٌ، وَ تَرْغِيبٌ، وَ تَرْهِيْبٌ، وَ جَدَلٌ، وَ قَصَصٌ، وَ مَثَلٌ. (۱)
قرآن، بر هفت حرف نازل شده است: امر و نهی و ترغیب کردن و ترساندن و جدل و داستان و مثل.

۱۱۸

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَقْسَامٍ، كُلٌّ مِنْهَا شَافٍ كَافٍ، وَ هِيَ: أَمْرٌ، وَ زَجْرٌ، وَ تَرْغِيبٌ، وَ تَرْهِيْبٌ، وَ حَيْدَلٌ، وَ مَثَلٌ، وَ قَصَصٌ، وَ فِي الْقُرْآنِ نَاسِخٌ وَ مَنْسُوخٌ وَ مُحَكَّمٌ وَ مُشَابِهٌ، وَ خَاصٌّ وَ عَامٌّ، وَ مُقَدَّمٌ وَ مُؤَخَّرٌ، وَ عَزَائِمٌ وَ رُخَصٌ، وَ حَلَالٌ وَ حَرَامٌ، وَ فَرَائِضٌ وَ أَحْكَامٌ، وَ مُنْقَطِعٌ وَ مَعْطُوفٌ، وَ مُنْقَطِعٌ غَيْرُ مَعْطُوفٍ، وَ حَرْفٌ مَكَانَ حَرْفٍ .
وَ مِنْهُ مَا لَفْظُهُ خَاصٌّ، وَ مِنْهُ مَا لَفْظُهُ عَامٌّ مُحْتَمِلُ الْعُمُومِ، وَ مِنْهُ مَا لَفْظُهُ وَاحِدٌ وَ مَعْنَاهُ جَمْعٌ، وَ مِنْهُ مَا لَفْظُهُ جَمْعٌ وَ مَعْنَاهُ وَاحِدٌ، وَ مِنْهُ مَا لَفْظُهُ مَاضٍ وَ مَعْنَاهُ مُسْتَقْبَلٌ، وَ مِنْهُ مَا لَفْظُهُ عَلَى الْخَبَرِ وَ مَعْنَاهُ حِكَايَةُ عَنْ قَوْمٍ آخَرَ، وَ مِنْهُ مَا هُوَ بَاقٍ مُحَرَّفٌ عَنْ جِهَتِهِ، وَ مِنْهُ مَا هُوَ عَلَى خِلَافٍ تَنْزِيلِهِ، وَ مِنْهُ مَا تَأْوِيلُهُ فِي تَنْزِيلِهِ، وَ مِنْهُ مَا تَأْوِيلُهُ قَبْلَ تَنْزِيلِهِ، وَ مِنْهُ مَا تَأْوِيلُهُ بَعْدَ تَنْزِيلِهِ . وَ مِنْهُ آيَاتٌ بَعْضُهَا فِي سُورَةٍ وَ تَمَامُهَا فِي سُورَةٍ أُخْرَى، وَ مِنْهُ آيَاتٌ نِصْفُهَا مَنْسُوخٌ وَ نِصْفُهَا مَتْرُوكٌ عَلَى حَالِهِ، وَ مِنْهُ آيَاتٌ مُخْتَلِفَةٌ اللَّفْظُ مُتَّفِقَةٌ الْمَعْنَى، وَ مِنْهُ آيَاتٌ مُتَّفِقَةٌ اللَّفْظُ مُخْتَلِفَةٌ الْمَعْنَى، وَ مِنْهُ آيَاتٌ فِيهَا رُخَصَةٌ وَ إِطْلَاقٌ بَعْدَ الْعَزِيمَةِ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُؤَخِّدَ بِرُخَصِهِ كَمَا يُؤَخِّدُ بِعَزَائِمِهِ .

(۱) میزان الحکمه، آیه الله محمدی ری شهری، جلد دهم .

(۶۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عبرت

وَ مِنْهُ رُخَصَةٌ صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ أَحَدٌ وَ إِنْ شَاءَ تَرَكَهَا، وَ مِنْهُ رُخَصَةٌ ظَاهِرُهَا خِلَافٌ بَاطِنُهَا يُعْمَلُ بِظَاهِرِهَا عِنْدَ التَّقْيَةِ وَ لَا يُعْمَلُ بِبَاطِنِهَا مَعَ التَّقْيَةِ، وَ مِنْهُ مُخَاطَبَةٌ لِقَوْمٍ وَ الْمَعْنَى لِآخَرِينَ، وَ مِنْهُ مُخَاطَبَةٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَعْنَاهُ وَقَعَ عَلَى أُمَّتِهِ، وَ مِنْهُ لَا يُعْرَفُ تَحْرِيمُهُ إِلَّا بِتَحْلِيلِهِ، وَ مِنْهُ مَا تَأْلِيفُهُ وَ تَنْزِيلُهُ عَلَيَّغِيرٍ مَعْنَى مَا أَنْزَلَ فِيهِ . وَ مِنْهُ رَدٌّ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَاحْتِجَاجٌ عَلَى جَمِيعِ الْمُلْحِدِينَ وَ الزَّانِقِينَ وَ الدَّهْرِيَّةِ وَ النَّوَوِيَّةِ وَ الْقَدْرِيَّةِ وَ الْمُجَبَّرَةِ وَ عِبَادَةَ الْأَوْثَانِ وَ عِبَادَةَ النَّيْرَانِ، وَ مِنْهُ احْتِجَاجٌ عَلَى النَّصَارَى فِي الْمَسِيحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ الرَّدُّ عَلَى الْيَهُودِ، وَ مِنْهُ الرَّدُّ عَلَيَّمَنْ زَعَمَ أَنَّ الْإِيمَانَ لَا يَزِيدُ وَ لَا يَنْقُصُ وَ أَنَّ الْكُفْرَ كَذَلِكَ، وَ مِنْهُ رَدٌّ عَلَى مَنْ زَعَمَ أَنَّ لَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ قَبْلَ الْقِيَامَةِ ثَوَابٌ وَ عِقَابٌ . (۱)

خدای تبارک و تعالی، قرآن را بر هفت قسم نازل فرموده است که هر بخشی از آن شفا دهنده و کفایت کننده است . این هفت قسم عبارتند از: امر و نهی و ترغیب و ترساندن و جدل و مثل و داستان . در قرآن آیات ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام و مقدم و مؤخر و واجبات و رخصت ها و حلال و حرام و فرایض و احکام و منقطع و معطوف و منقطع نامعطوف و حرفی به جای حرف دیگر، وجود دارد .

بعضی از کلمات قرآن، لفظش خاص است و بعضی لفظش عام است و عمومیت را می‌رساند و برخی لفظش مفرد است و معنایش جمع و برخی لفظش جمع است و معنایش مفرد . برخی لفظش ماضی است و معنایش مستقبل . برخی لفظش خبری است و معنایش حکایت از قومی دیگر . بعضی از آنها باقی است و از جهت و معنای اصلیش (به معنای دیگر) برگردانده شده است . بعضی از آنها معنایی خلاف تنزیلش دارد و برخی تأویل و تنزیلش یکی است و بعضی تأویلش پیش از تنزیل آن است و بعضی تأویلش بعد از تنزیلش .

در قرآن آیاتی هست که قسمتی از آن، در سوره‌ای است و دنباله آن در سوره‌ای دیگر، آیاتی هست که نصفش منسوخ است و نصفش به حال خود باقی است (و)

(۱) البحار: ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الكلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۶۳)

نسخ نشده)، بعضی از آیات آن الفاظشان متفاوت اما معنایشان با هم یکسان است، آیاتی هم هست که لفظشان یکسان، اما معنایشان متفاوت است. بعضی آیات ناظر به رخصت است و بعد از قطعیت، دست باز گذاشته شده است؛ زیرا خداوند عز و جل دوست دارد که همان گونه که به واجبات و احکام قطعیش عمل می‌شود به اجازات و رخصتهایش نیز عمل شود.

بعضی از قرآن، رخصت است و شخص مکلف آزاد است اگر خواست آنها را انجام دهد و اگر خواست ترک کند. بعضی از آن رخصتی است که ظاهرش برخلاف باطنش می‌باشد، به ظاهر آن به گاه تقیه عمل می‌شود ولی به باطن آن حتی از باب تقیه هم نمی‌توان عمل کرد. بعضی از قسمت‌های قرآن خطابش به عده‌ای است ولی مقصود دیگران هستند. برخی از آن مخاطبش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است، امّا متعلقش امت او هستند. بعضی از قسمت‌های آن هست که حرام شمردنش جز با حلال شمردن آن شناخته نمی‌شود و قسمت‌هایی هم در قرآن هست که تألیف و تنزیل آن بر غیر معنایی است که درباره آن نازل شده است.

بعضی از قسمت‌های قرآن، هست که پاسخ خدای متعال و حجت آوری او بر همه ملحدان و زندیقان و دهریه و ثنویه و قدریه و جبریه و بت پرستان و آتش پرستان، است و قسمت‌هایی از آن، احتجاج بر ضد ترسایان (و اعتقادشان) درباره مسیح علیه‌السلام است و قسمت‌هایی از آن ردّ بر یهود و قسمت‌هایی از آن پاسخ به کسانی است که می‌گویند، نه ایمان قابل افزایش و کاهش است نه کفر. قسمت‌هایی از آن نیز در پاسخ به کسانی است که خیال می‌کنند بعد از مرگ و پیش از قیامت پاداش و کیفری در کار نیست.

(۶۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

آیات محکم و متشابه

۱۱۹

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لَمَّا سُئِلَ عَنِ تَفْسِيرِ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - : أَمَّا الْمُحْكَمُ الَّذِي لَمْ يَنْسَخْهُ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» وَ إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ فِي الْمُتَشَابِهِ لِأَنَّهُمْ لَمْ يَقِفُوا عَلَى مَعْنَاهُ وَ لَمْ يَعْرِفُوا حَقِيقَتَهُ ، فَوَضَعُوا لَهُ تَأْوِيلَاتٍ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ بَارَأْنَهُمْ وَاسْتَغْنَوْا بِذَلِكَ عَنْ مَسْأَلَةِ الْأَوْصِيَاءِ ... وَ أَمَّا الْمُتَشَابِهُ مِنَ الْقُرْآنِ فَهُوَ الَّذِي اِنْحَرَفَ مِنْهُ ، مُتَّفِقُ اللَّفْظِ مُخْتَلِفُ الْمَعْنَى ، مِثْلُ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ : «يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» فَنَسَبَ الضَّلَالَةَ إِلَى نَفْسِهِ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ ، وَ هَذَا ضَلَالُهُمْ عَنْ طَرِيقِ الْجَنَّةِ بِفِعْلِهِمْ ، وَ نَسَبَهُ إِلَى الْكُفَّارِ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ وَ نَسَبَهُ إِلَى الْإِصْنَامِ فِي آيَةٍ أُخْرَى . (۱)

در پاسخ به سؤال از معنای محکم و متشابه در کتاب خدای عزوجل، فرمود: محکم آن آیه‌ای است که چیزی از قرآن آن را نسخ نکرده است؛ این است سخن خدای عزوجل که می‌فرماید: «اوست کسی که کتاب را بر تو نازل کرد. برخی از آن آیاتی محکمند که آنها ام‌الکتابند و برخی دیگر متشابهند».

مردم، در آیات متشابه به هلاکت در افتاده‌اند؛ زیرا معنای آنها را نفهمیدند و حقیقت آنها را نشناختند. از این رو، با آرای شخصی خود آنها را تأویل و توجیه کردند و بدین سان خود را از رجوع به اوصیاء و پرسیدن از آنها بی‌نیاز دانستند ...

امّا متشابه قرآن، آن است که از آن منحرف شده‌است. لفظش یکی و معنایش متفاوت

(۱) البحار: ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الكلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۶۵)

است، مانند این سخن خدای عز و جل: «خدا هر که را بخواهد گمراه می‌کند و هر که را خواهد هدایت می‌کند». در این جا گمراه کردن را به خودش نسبت داده است و این گمراه کردن آنها از راه بهشت است به سبب افعال و اعمال خودشان. در جایی دیگر گمراهی را به کفار نسبت داده و در آیه‌ای دیگر به بت‌ها منتسب کرده است.

(انظر الضلالة: باب ۲۳۸۳

القضاء (۱): باب ۳۳۵۳

الفتنة: باب ۳۱۵۱

۱۲۰

الإمام الصادق عليه السلام

لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ -: الْمُحْكَمُ مَا نَعْمَلُ بِهِ ، وَ الْمُتَشَابِهُ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ . (۱)

امام صادق علیه السلام، در پاسخ به سؤال از محکم و متشابه، فرمود: محکم آن آیه‌ای است که به آن عمل می‌کنیم و متشابه آیه‌ای است که بر کسی که از آن شناخت ندارد مشتبه می‌شود.

۱۲۱

عنه عليه السلام :

أيضا -: الْمُحْكَمُ مَا يُعْمَلُ بِهِ ، وَ الْمُتَشَابِهُ الَّذِي يُشْبَهُ بَعْضُهُ بَعْضًا . (۲)

نیز در پاسخ به همین پرسش، فرمود: محکم آن است که بدان عمل می‌شود و متشابه آن است که برخی از آن با برخی دیگر، شبیه است.

(۱) البحار: ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الكلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

(۲) البحار: ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الكلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

(۶۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۱۲۲

عنه عليه السلام :

إِنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ ، فَأَمَّا الْمُحْكَمُ فَتُؤْمِنُ بِهِ وَ نَعْمَلُ بِهِ وَ نَدِينُ بِهِ ، وَ أَمَّا الْمُتَشَابِهُ فَتُؤْمِنُ بِهِ وَ لَا نَعْمَلُ بِهِ . (۱)

همانا در قرآن محکمی است و متشابهی. به آیات محکم، ایمان داریم و بدانها عمل می‌کنیم و به آیات متشابه ایمان داریم ولی به کارشان نمی‌بندیم.

اشارتهای قرآن

۱۲۳

الإمام الصادق عليه السلام :

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ نَبِيَّهُ بِ «إِيَّاكَ أَعْنَى وَ اسْمَعَى يَا جَارَةَ» . (۲)

خداوند پیامبر خود را بر طبق ضرب‌المثل «به در می‌گویم که دیوار بشنود»، مبعوث کرده‌است.

۱۲۴

عنه عليه السلام :

نَزَلَ الْقُرْآنُ بِ«إِيَّاكَ أَعْنَى وَاسْمَعَى يَا جَارَةَ» (۳).

قرآن مطابق ضرب‌المثل «به در می‌گویم که دیوار بشنود»، نازل شده است .

(۱) البحار: ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الكلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

(۲) البحار: ۹۲/۳۸۱/۱۲ .

(۳) الکافی: ۲/۶۳۱/۱۴ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۶۷)

۱۲۵

عنه عليه السلام :

مَا عَاتَبَ اللَّهُ نَبِيَّهُ فَهُوَ يَعْنِي بِهِ مَنْ قَدْ مَضَى فِي الْقُرْآنِ مِثْلُ قَوْلِهِ: «و لَوْلَا- أَنْ تَبْتَسَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا» عَنَى بِذَلِكَ غَيْرَهُ. (۱)

هرچه خدای عزوجل به پیامبرش عتاب فرموده، مقصود از آن دیگران است، مانند این سخن خداوند که: «اگر نبود که ما تو را استوار گردانیدیم، نزدیک بود که به سوی آنها اندکی متمایل شوی»، مقصود از این کلام (و عتاب) غیر پیامبر است.

۱۲۶

الإمام الرضا عليه السلام

فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ» - : هَذَا مِمَّا نَزَلَ بِ«إِيَّاكَ أَعْنَى وَاسْمَعَى يَا جَارَةَ» ... وَ كَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «لَنْ أُشْرِكَتَ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ...» وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «و لَوْلَا أَنْ تَبْتَسَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ...» (۲)

امام رضا عليه السلام، درباره آیه «خدا تو را ببخشد چرا به آنها اجازه دادی»، فرمود: این از جمله آیاتی است که طبق ضرب‌المثل «به در می‌گویم که دیوار بشنود»، نازل شده است ... همچنین آیه «اگر شرک آوری، هر آینه عمل تو بر باد رود...» و نیز آیه «اگر نبود که ما تو را استوار گردانیدیم، هر آینه نزدیک بود که به سوی آنها اندکی متمایل شوی...».

(۱) تفسیر العیاشی: ۱/۱۰/۵ .

(۲) عیون أخبار الرضا ۷: ۱/۲۰۲/۱ .

(۶۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

وجوه قرآن

۱۲۷

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ لَمَّا بَعَثَهُ لِلْإِحْتِجَاجِ عَلَى الْخَوَارِجِ - : لَا تُخَاصِمُهُمْ بِالْقُرْآنِ؛ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَالٌ ذُو وُجُوهِ، تَقُولُ وَ يَقُولُونَ، وَ لَكِنْ حَاجَّجُهُمْ (خَاصِمُهُمْ) بِالسُّنَّةِ، فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا. (۱)

امام علی علیه السلام، هنگامی که عبدالله بن عباس را برای گفتگو با خوارج و اقامه حجت بر آنان فرستاد، به او فرمود: با آنان به وسیله قرآن ستیزه مکن؛ زیرا قرآن وجوه گوناگونی دارد. تو چیزی می‌گویی و آنها چیزی می‌گویند، بلکه با آنان به وسیله سنت احتجاج کن؛ زیرا که آنان در برابر سنت راه گریزی (و توجیهی) ندارند.

۱۲۸

عِكْرَمَةُ :

سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يُحَدِّثُ عَنِ الْخَوَارِجِ الَّذِينَ أَنْكَرُوا الْحُكُومَةَ فَأَعْتَزَلُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، قَالَ : فَأَعْتَزَلَ مِنْهُمْ إِثْنَا عَشَرَ أَلْفًا فَدَعَانِي عَلِيُّ فَقَالَ : إِذْهَبْ إِلَيْهِمْ فَخَاصِمُهُمْ وَادْعُهُمْ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ ، وَلَا تُحَاجَّهُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ ذُو وُجُوهِ ، وَلَكِنْ خَاصِمُهُمْ بِالسُّنَّةِ . (۲)

شنیدم که ابن عباس درباره خوارج ، همانان که حکمیت را نپذیرفتند از علی بن ابی طالب جدا شدند ، سخن می گوید. او گفت: دوازده هزار نفر از خوارج از سپاه علی کناره گرفتند ؛ علی مرا فراخواند و فرمود : نزد ایشان برو و آنان را به کتاب و سنت فراخوان و به وسیله قرآن با آنان احتجاج نکن ؛ زیرا قرآن وجوه گوناگون دارد ، بلکه به وسیله سنت (پیامبر) بایشان بحث کن .

(۱) نهج البلاغه : الكتاب ۷۷ .

(۲) الدر المنثور : ۱/۴۰ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۶۹)

۱۲۹

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

الْقُرْآنُ ذُو وُجُوهِ ، فَاحْمِلُوهُ عَلَى أَحْسَنِ وُجُوهِهِ . (۱)

قرآن، وجوه گوناگون دارد. پس آن را بر بهترین وجوهش حمل (و معنا) کنید .

أُمُّ الْقُرْآنِ

۱۳۰

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» أُمُّ الْقُرْآنِ وَ أُمُّ الْكِتَابِ وَالسَّبْعُ الْمَثَانِي . (۲)

سوره حمد، ام القرآن و ام الكتاب و سبع المثانی است .

۱۳۱

عنه صلى الله عليه وآله :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» سَبْعُ آيَاتٍ ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» إِحْدَاهُنَّ وَ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ ، وَ هِيَ أُمُّ الْقُرْآنِ . (۳)

سوره حمد، هفت آیه است «بسم الله الرحمن الرحيم» یکی از هفت آیه می باشد. سوره حمد، سبع المثانی و قرآن عظیم و أم القرآن است .

۱۳۲

عنه صلى الله عليه وآله :

لِسَعِيدِ بْنِ الْمُعَلَّى إِذَا دَعَا وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ فَلَمْ يُجِبْهُ - : أَلَمْ يَقُلِ اللَّهُ : «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ

(۱) میزان الحکمه، محمد ری شهری، جلد دهم .

(۲) الدر المنثور : ۱/۱۲ .

(۳) الدر المنثور : ۱/۱۲ .

(۷۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ ۗ! ثُمَّ قَالَ: لَا عَلَّمَنَّكَ أَعْظَمَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَأَخَذَ بِيَدِي، فَلَمَّا أَرَدْنَا أَنْ نَخْرُجَ قُلْتُ: يَارَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ قُلْتَ: لَا عَلَّمَنَّكَ سُورَةٌ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيَتْهُ . (۱)

سعید بن معلی را که در حال نماز بود صدازد اما او جواب نداد . رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: مگر خداوند نفرموده است: «هرگاه خدا و رسول شما را صدا زدند ، جواب بدهید»؟ سپس فرمود : پیش از آنکه مسجد را ترک کنی، با عظمت ترین سوره قرآن را به تو می آموزم . پس ، دستم را گرفت و چون نزدیک در مسجد رسیدیم ، عرض کردم : ای رسول خدا ، شما فرمودید که : با عظمت ترین سوره قرآن را به تو می آموزم . حضرت فرمود : «الحمد لله رب العالمين» (سوره حمد) همان سبع المثانی و قرآن عظیمی است، که به من داده شده است .

۱۳۳

عنه صلی الله علیه و آله :

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي التَّوْرَةِ وَلَا فِي الْأَنْجِيلِ وَلَا فِي الزَّبُورِ وَلَا فِي الْفُرْقَانِ مِثْلَ أُمَّ الْقُرْآنِ. (۲)
خداوند نه در تورات و نه در انجیل و نه در زبور و نه در فرقان ، همانند ام القرآن نازل نکرده است .

۱۳۴

عنه صلی الله علیه و آله :

مَنْ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ . (۳)

(۱) الدر المنثور : ۱/۱۳ .

(۲) الدر المنثور : ۱/۱۳ .

(۳) الدر المنثور : ۱/۱۶ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۱)

هر که فاتحه کتاب را بخواند، چنان است که تورات و انجیل و زبور و فرقان را خوانده باشد .
(انظر) الشیطان: باب ۲۰۲۳ .

تفسیر المیزان: ۳/۴۳ «ما معنی کون المحکمات أم الكتاب؟» .

فضیلت تلاوت آیه الكرسی

۱۳۵

قِرَاءَةُ آيَةِ الْكُرْسِيِّ تَصْرِفُ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَيْسَرُ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا الْفَقْرُ، وَأَيْسَرُ مَكْرُوهِ الْآخِرَةِ عَذَابُ الْقَبْرِ .
خواندن آیه الکرسی هزار ناراحتی از ناراحتی دنیا و آخرت را برطرف می سازد . کمترین ناراحتی دنیا بی چیزی و کمترین ناراحتی آخرت عذاب قبر می باشد .

۱۳۶

قال أمير المؤمنين عليه السلام :

إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ عَيْنَهُ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ، وَلْيُضْمِرْ فِي نَفْسِهِ أَنَّهَا تَبْرَأُ، فَإِنَّهُ يُعَافَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

در کتاب خصال (شیخ صدوق "ره) "امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هرگاه یکی از شما چشمش درد داشته باشد آیه الکرسی بخواند و در دلش بگذراند که آیه الکرسی او را خوب می کند، پس شفا یابد انشاء الله

(۷۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۱۳۷

در بخشی از خطبه فدکیه حضرت زهراء علیها السلام آمده است: (۱)

وَهَذَا كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ وَأُأْمِرُهُ وَاضِحَةٌ، قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ. أَرغِيهَ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بغيرِهِ تَحْكُمُونَ؟ «بئس للظالمين يديلاً». «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

در حالی که کتاب خدا در بین شما می‌باشد، مطالبش روشن و احکامش درخشان و نشانه‌هایش تابنده، و دور باش‌هایش نمایان، و دستورهایش واضح و آشکار، پشت سر بیفکنیدش. آیا روگرداندن از آن را اراده دارید؟ یا به غیر آن می‌خواهید حکم کنید؟ «بدل بدی است برای ستمکاران.» (۵۰ / کهف) «و هر کس جز اسلام دینی بجوید هرگز از وی پذیرفته نشود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.» (۸۵ / آل عمران)

۱۳۸

قال الإمام العسكري عليه السلام

«أَكْبَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَانَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرَ حَسَنَاتٍ.» (۲)

امام حسن عسگری علیه السلام فرمود:

«چند چیز را فراوان یاد کنید: ۱ - یاد خدا، ۲ - یاد مرگ، ۳ - تلاوت قرآن، ۴ - صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله، زیرا صلوات بر رسول خدا، ده حسنه دارد.»

۱. نقل از کتاب (شرح خطبه فدک) - محمد تقی شریعتمداری صفحه ۳۷ - ۳۸.

۲. تحف العقول / ص ۴۸۸، صحیفه رستگاری، احادیث قدسی.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۳)

۱۳۹

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ :

«نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ لَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى، صَيَلُوا فِي الْكِنَائِسِ وَ الْبَيْعِ وَ عَطَّلُوا بُيُوتَهُمْ، فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ التَّسَعُّ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيئُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خانه‌های خود را با خواندن قرآن نورانی کنید و آن را (صرفاً) بر سر قبرها نبرید، چنانچه یهود و نصارا چنین رفتار کردند، در کنیسه‌ها و معبد‌های خود نماز خوانند و خانه‌های خود را خالی از آن (نماز و عبادت) رها کردند؛ زیرا چون در خانه، قرآن زیاد تلاوت شود، خیرش فراوان گردد و اهل آن در گشایش قرار گیرند و برای آسمانیان بدرخشد، چنانچه اختران آسمان برای زمینیان می‌درخشند.»

۱۴۰

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ :

«مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَ الْمَسْجِدُ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که گفتارش قرآنی و (از رفت و آمد زیادش به مسجد، گویی که) خانه‌اش مسجد باشد، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای

بنا می‌سازد.»

۱. الکافی، ج ۲/ص ۶۱۰، صحیفه رستگاری، احادیث قدسی چهارده معصوم و انبیاء علیهم السلام، ص ۸۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵/ص ۱۹۸، صحیفه رستگاری، احادیث قدسی چهارده معصوم و انبیاء علیهم السلام، ص ۹۰.

(۷۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَّاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً

و کافران گفتند: چرا قرآن یک‌جا نازل نمی‌شود؟ این به خاطر آن است که قلب تو را بر آن محکم داریم و آن را تدریجاً بر تو خواندیم. (۱)

واژه «تَرْتِيل» از ماده «رَتَّل» به معنی منظم بودن و مرتب بودن است، لذا کسی که دندان‌هایش خوب و منظم و مرتب باشد، عرب به او «رَتَّل الأَشْيَان» می‌گوید، روی این جهت ترتیل به معنی پی در پی آوردن سخنان یا آیات روی نظام و حساب گفته شده است.

در تفسیر کلمه «تَرْتِيل» روایات جالبی نقل شده که به یکی از آن‌ها ذیلاً اشاره می‌کنیم:

در تفسیر «مجمع البیان» از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین نقل شده که به ابن عباس فرمود: إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَرَتِّلْهُ تَرْتِيلاً: هنگامی که قرآن را خواندی آن را با ترتیل بخوان.

ابن عباس می‌گوید پرسیدم: ترتیل چیست؟

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «حروف و کلمات آن را کاملاً روشن ادا کن، نه همچون خرما خشکیده (یا ذرات شن) آن را پراکنده کن و نه همچون شعر آن را با سرعت پشت سر هم بخوان، به هنگام برخورد با عجایب قرآن توقف کن و بیندیش و دل‌ها را با آن تکان ده و هرگز نباید همت شما این باشد که به سرعت سوره را به پایان رسانید» (بلکه مهم اندیشه و تدبر و بهره‌گیری از قرآن است). (۲)

۱- ۳۲ / فرقان.

۲- «مجمع البیان»، ذیل آیه مورد بحث.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۵)

هدف نهایی قرآن، عمل به محتوای آن است

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

ما آن را قرآن عربی نازل کردیم تا شما درک کنید. (۱)

هدف تنها قرائت و تلاوت و تیمن و تبرک با خواندن آیات آن نیست، بلکه هدف نهایی درک است، درکی نیرومند و پرمایه که تمام وجود انسان را به سوی عمل دعوت کند. اما عربی بودن قرآن علاوه بر این که زبان عربی به شهادت آن‌ها که اهل مطالعه در زبان‌های مختلف جهانند، آن‌چنان زبان وسیعی است که می‌تواند ترجمان لسان وحی باشد و مفاهیم و ریزه کاری‌های سخنان خدا را بازگو کند، علاوه بر این، مسلم است که اسلام از جزیره عربستان از یک کانون تاریکی و ظلمت و توحش و بربریت طلوع کرد و در درجه اول می‌بایست مردم آن سامان را گرد خود جمع کند، آن‌چنان گویا و روشن باشد که آن افراد بی‌سواد و دور از علم و دانش را تعلیم دهد و در پرتو تعلیمش دگرگون سازد و یک هسته اصلی برای نفوذ این آیین در سایر مناطق جهان به وجود آورد. البته قرآن با این زبان برای همه مردم جهان قابل فهم نیست (و به هر زبان دیگری بود نیز همین گونه بود) زیرا ما یک زبان جهانی که همه مردم دنیا آن را بفهمند نداریم، ولی این مانع از آن نخواهد شد که سایر مردم جهان از ترجمه‌های آن بهره‌گیرند و یا از

آن بالاتر با آشنایی تدریجی به این زبان، خود آیات را لمس کنند و مفاهیم وحی را از درون همین الفاظ درک نمایند. به هر حال تعبیر به «عربی بودن» که در ده مورد از قرآن تکرار شده پاسخی است به آن‌ها که پیامبر را متهم می‌کردند که او این آیات را از یک فرد عجمی یاد گرفته و محتوای قرآن یک فکر وارداتی است و از نهاد وحی نجوشیده است. ضمناً این تعبیرات پی در پی این وظیفه را برای همه مسلمانان به وجود می‌آورد که همگی باید بکوشند و زبان عربی را به عنوان زبان ۱-۲ / یوسف .

(۷۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

دوم خود به صورت همگانی بیاموزند از این نظر که زبان وحی و کلید فهم حقایق اسلام است .
قرآن باید در متن زندگی همه مردم حضور داشته باشد
فَأِنَّمَا يَسْتَرْزَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ
ما آن (قرآن) را بر زبان تو آسان ساختیم، تا متذکر شوند. (۱)

با این که محتوایش فوق‌العاده عمیق و ابعادش بسیار گسترده است، اما ساده، روان، همه‌کس فهم و قابل استفاده برای همه قشرها می‌باشد، مثال‌هایش زیبا، تشبیهاتش طبیعی و رسا، داستان‌هایش واقعی و آموزنده، دل‌یلش روشن و محکم، بیانش ساده و فشرده و پرمحتوا و در عین حال شیرین و جذاب، تا در اعماق قلوب انسان‌ها نفوذ کند، بی‌خبران را آگاه و دل‌های آماده را متذکر سازد .

آیات فوق به خوبی نشان می‌دهد که قرآن مجید تعلق به قشر و گروه خاصی ندارد، بلکه برای فهم و تذکر و پندگیری عموم است، بنابراین آن‌ها که قرآن را در پیچ و خم مفاهیم مبهم و مسائل نامفهومی قرار می‌دهند که درک آن تعلق به قشر خاصی دارد و حتی آن قشر هم چیزی از آن نمی‌فهمند، در حقیقت از روح قرآن غافلند .

قرآن باید در زندگی همه مردم حضور داشته باشد

در شهر و روستا، در خلوت و جمع، در دبستان و دانشگاه، در مسجد و میدان جنگ و در همه جا، چراکه «خداوند آن را سهل و ساده و روان ساخته تا همگان متذکر شوند» .

و نیز این آیه قلم بطلان بر افکار کسانی که قرآن را در طرز تلاوت و پیچ و خم قواعد تجوید خلاصه کرده و تنها همتشان، ادای الفاظ آن از مخارج و رعایت آداب وقف و وصل است، می‌کشد و می‌گوید: همه این‌ها برای تذکر است، تذکری که عامل حرکت و سازندگی در عمل شود، رعایت ظواهر الفاظ در ۱-۵۸ / دخان .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۷)

جای خود صحیح ولی هدف نهایی، معانی است نه الفاظ.

با آیات قرآن در جهت منافع خود، گزینشی رفتار نکنید

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ و بگو من انذار کننده آشکارم. (۱)

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ

(ما بر آن‌ها عذابی می‌فرستیم) همان‌گونه که بر «تجزیه‌گران» (آیات الهی) فرستادیم. (۲)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ

همان‌ها که قرآن را تقسیم کردند (آنچه به سودشان بود پذیرفتند و آنچه برخلاف هوس‌هایشان بود ترک نمودند). (۳)

قرآن راه مستقیم خوشبختی

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا
این قرآن به راهی هدایت می‌کند که متین‌ترین راه‌ها است و به مؤمنانی که عمل صالح انجام می‌دهند بشارت می‌دهد که برای آن‌ها پاداش بزرگی است. (۴)

«أَقْوَمُ» از ماده «قیام» گرفته شده است و از آن‌جا که انسان به هنگامی که می‌خواهد فعالیت پی‌گیری انجام دهد قیام می‌کند و به کار می‌پردازد از این نظر قیام کنایه از حسن انجام امور و آمادگی برای فعالیت آمده است، ضمناً «استقامت» که از همین ماده گرفته شده است و «قیَم» که آن‌هم از این ماده است به معنی ثابت و پابرجا است.

۱- ۸۹ / حجر .

۲- ۹۰ / حجر .

۳- ۹۱ / حجر .

۴- ۹ / اسراء .

(۷۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

واز آن‌جا که «أَقْوَمُ» صیغه «افعل تفضیل» است به معنی پابرجاتر می‌آید و به این ترتیب، مفهوم آیه فوق چنین است که «قرآن به طریقه‌ای که پابرجاترین راه است دعوت می‌کند».

محکم‌تر و پابرجاتر از نظر عقایدی که عرضه می‌کند، عقایدی روشن، قابل درک خالی از هرگونه ابهام و خرافات، عقایدی که دعوت به عمل دارد، نیروهای انسانی را بسیج می‌کند و میان انسان و قوانین عالم طبیعت هماهنگی برقرار می‌سازد. آری قرآن به طریقه و روشی هدایت می‌کند که در تمام زمینه‌ها ثابت‌ترین طریقه است.

تعبیر به بشارت در مورد مؤمنان دلیلش روشن است، ولی در مورد افراد بی‌ایمان و طغیانگر در حقیقت یک نوع استهزاء است و یا بشارتی است برای مؤمنان که دشمنانشان به چنین سرنوشتی گرفتار می‌شوند.

قرآن مایه حیات دل‌ها و زندگی جان‌هاست

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا
وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

همان‌گونه که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم بر تونیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم، تو پیش از این نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست؟ (و از محتوای قرآن آگاه نبودی) ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم و تو مسلماً به سوی راه مستقیم هدایت می‌کنی. (۱)

تعبیر به «كَذَلِكَ» (این‌گونه) ممکن است اشاره به این باشد که تمام انواع سه‌گانه وحی که در آیه قبل آمده برای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله تحقّق یافت، گاه مستقیماً

۱- ۵۲ / شوری .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۹)

با ذات پاک پروردگار ارتباط می‌یافت و گاه از طریق فرشته وحی و گاه با شنیدن آوازی شبیه امواج صوتی، چنان‌که در روایات اسلامی نیز اشاره به همه این‌ها شده و شرح آن را ذیل آیه گذشته بیان کردیم.

در این‌که منظور از «روح» در این‌جا چیست، دو قول در میان مفسران دیده می‌شود: نخست این‌که منظور از آن قرآن مجید است که مایه حیات دل‌ها و زندگی جان‌ها است، این قول را غالب مفسران برگزیده‌اند. (۱)

راغب در مفردات نیز می‌گوید: «سُمِّيَ الْقُرْآنُ رُوحًا فِي قَوْلِهِ وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا وَ ذَلِكَ لِكُنْ الْقُرْآنَ سَبِيًّا لِلْحَيَاةِ الْأُخْرَوِيَّةِ: قرآن در آیه: وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا... روح نامیده شده، زیرا سبب حیات اخروی است.»

این معنی با قرائن مختلفی که در آیه وجود دارد مانند تعبیر به «كَذَلِكَ» که اشاره به مسأله وحی است و تعبیر به «أَوْحَيْنَا» و همچنین تعبیراتی که درباره قرآن در ذیل همین آیه آمده است، کاملاً سازگار است.

گرچه «روح» در سایر آیات قرآن غالباً به معانی دیگری آمده است، ولی با توجه به قرائن فوق‌ظاهر این است که روح در این‌جا به معنی قرآن است.

در تفسیر آیه ۲ سوره نحل: «يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» نیز گفتیم که قرآن نشان می‌دهد «روح» در آن آیه نیز به معنی «قرآن و وحی و نبوت» است و در حقیقت این دو آیه یکدیگر را تفسیر می‌کنند.

چگونه «قرآن» به منزله «روح» نباشد، در حالی که در آیه ۲۴ انفال می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اجابت کنید دعوت خدا و پیامبرش را هنگامی که شما را به سوی چیزی فرامی‌خواند که مایه حیات شما است.»

۱- «طبرسی» در «مجمع البیان»، «شیخ طوسی» در «تبیان».

(۸۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

در دنباله آیه می‌افزاید: «مَا كُنْتَ تَدْرِي...».

این لطف خدا بود که شامل حال تو شد و این وحی آسمانی بر تو نازل گشت و ایمان به تمام محتوای آن پیدا کردی.

اراده خداوند بر این تعلق گرفته بود که علاوه بر هدایت تو به این کتاب بزرگ آسمانی و تعلیمات آن، بندگان دیگرش را در پرتو این نور آسمانی هدایت کند و شرق و غرب جهان بلکه تمام قرون و اعصار را تا پایان زیر پوشش آن قرار دهد.

بعضی از کج‌اندیشان چنین پنداشته‌اند که این جمله نشان می‌دهد، پیامبر قبل از نبوت ایمان به خدا نداشت، در حالی که معنی آیه روشن است، می‌گوید: قبل از نزول قرآن، قرآن را نمی‌دانستی و به محتوا و تعلیمات آن آگاهی و ایمان نداشتی، این تعبیر هیچ منافاتی با اعتقاد توحیدی پیامبر و معرفت عالی او و آشنائیش به اصول عبادت و بندگی او ندارد، خلاصه عدم آگاهی به محتوای قرآن مطلبی است و عدم معرفت الله مطلب دیگر.

زندگی شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از دوران نبوت که در کتب تاریخ آمده است، نیز گواه زنده بر این معنی است و از آن روشن‌تر و بارزتر سخنی است که از امیر مؤمنان علی در «نهج البلاغه» آمده: «وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيمًا أَعْظَمَ مَلِكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ، يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ، لَيْلُهُ وَ نَهَارُهُ: از همان زمان که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از شیر باز گرفته شد، خداوند بزرگ‌ترین فرشته از فرشتگان را با او قرین ساخت، تا شب و

روز وی را به راه‌های مکارم و طرق اخلاق نیک سوق دهد.» (۱)

در پایان آیه می‌افزاید: «وَ أَنْتَ لَتَهْدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.»

نه تنها قرآن نوری برای تو است که نوری برای همگان است و وسیله هدایتی برای جهانیان به سوی صراط مستقیم، این یک موهبت عظیم الهی است،

۱- «نهج البلاغه»، خطبه ۱۹۲، خطبه قاصعه.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۸۱)

برای رهروان راه حق و آب حیات است برای همه تشنه کامان.

همین معنی به تعبیر دیگری در آیه ۴۴ سوره فصلت آمده: «قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ: بگو این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند، مایه حیات و شفا است و کسانی که به آن ایمان نمی‌آورند گوشه‌ایشان سنگین است.»

درمان و نوسازی در پرتو قرآن

وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

قرآن را نازل می‌کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید. (۱)

«شِفَاء» معمولاً در مقابل بیماری‌ها و عیب‌ها و نقص‌ها است، بنابراین نخستین کاری که قرآن در وجود انسان‌ها می‌کند همان پاک‌سازی از انواع بیماری‌های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است.

پس از آن مرحله «رَحْمَت» فرامی‌رسد که مرحله تخلق به اخلاق الهی و جوانه زدن شکوفه‌های فضایل انسانی در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته‌اند.

به تعبیر دیگر «شِفَاء» اشاره به «پاک‌سازی» و «رحمت» اشاره به «نوسازی» است و یا به تعبیر فلاسفه و عرفاء اولی به مقام «تَخْلِيَةُ» اشاره می‌کند و دومی به مقام «تَخْلِيَةُ».

۱- ۸۲ / اسراء.

(۸۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

قرآن به زبان آسان نازل شده است

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا

ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله آن بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انذار کنی. (۱)

«لُدِّ» جمع «الُدِّ» به معنی دشمنی است که خصومت شدید دارد و به کسانی گفته می‌شود که در دشمنی کردن متعصب، لجوج و بی‌منطق هستند.

«يَسَّرْنَاهُ» از ماده «تيسير» به معنی تسهیل است، خداوند در این جمله می‌فرماید: «ما قرآن را بر زبان تو آسان کردیم تا پرهیزکاران را بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انذار کنی» این تسهیل ممکن است از جهات مختلف بوده باشد:

۱- از این نظر که قرآن، عربی فصیح و روانی است که آهنگ آن در گوش‌ها دل‌انگیز و تلاوت آن بر زبان‌ها آسان است.

۲- از نظر این که خداوند آن‌چنان تسلطی به پیامبرش بر آیات قرآن، داده بود که به آسانی و در همه جا و برای حل هر مشکل، از آن استفاده می‌کرد و پیوسته بر مؤمنان تلاوت می‌نمود.

۳- از نظر محتوا که در عین عمیق و پر مایه بودن درک آن سهل و ساده و آسان است، اصولاً آن همه حقایق بزرگ و برجسته که

در قالب این الفاظ محدود با سهولت درک معانی ریخته شده، خود نشانه‌ای است از آن‌چه در آیه فوق می‌خوانیم که بر اثر یک امداد الهی، صورت گرفته است.

در سوره قمر در آیات متعدد این جمله تکرار شده است: « وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ : ما قرآن را برای تذکر و یادآوری آسان کردیم آیا پند گیرنده‌ای هست ».

۱- ۹۷ / مریم .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۸۳)

قرآن شفادهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را بزدايد

نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ ، وَ سَرَاجًا لَا يَحْبُو تَوْقُدَهُ وَ بَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ ، وَ مِنْهَا جَا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ ، وَ شِعَاعًا لَا يُظْلِمُ ضَوْؤُهُ ، وَ فُرْقَانًا لَا يُخْمَدُ بُرْهَانُهُ ، وَ تَبْيَانًا لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ ، وَ شِفَاءً لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ ، وَ عِزًّا لَا تُهْزَمُ أَنْصَارُهُ ، وَ حَقًّا لَا تُخْدَلُ أَعْوَانُهُ . فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَتُهُ ، وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورُهُ ، وَ رِيَاضُ الْعَيْدِلِ وَ عُذْرَانُهُ ، وَ أَثْفَالِي الْأَسْلَامِ وَ بُنْيَانُهُ ، وَ أَوْدِيَةُ الْحَقِّ وَ غِيْطَانُهُ . وَ بَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ ، وَ عُيُونٌ لَا يَنْصَبُ بِهَا الْمَاتِحُونَ ، وَ مَنَاهِلٌ لَا يَغِيْضُهَا الْوَارِدُونَ ، وَ مَنَازِلٌ لَا يَضِلُّ نَهْجَهَا الْمُسَافِرُونَ ، وَ أَعْلَامٌ لَا يَغْمِي عَنْهَا السَّائِرُونَ ، وَ أَكَامٌ لَا يَجُوزُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ . جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ ، وَ رِيْبًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ ، وَ مَحَاجَّ لِطُرُقِ الصُّلَحَاءِ ، وَ دَوَاءً لَيْسَ بَعِيدَهُ دَاءٌ ، وَ نُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ (۱) ، وَ حَبْلًا وَثِيقًا عَزُوتُهُ ، وَ مَعْقَلًا مَنِيعًا ذُرُوتُهُ ، وَ عِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ ، وَ سَلَامًا لِمَنْ دَخَلَهُ ، وَ هُدًى لِمَنْ اتَّكَمَ بِهِ ، وَ عُذْرًا لِمَنْ انْتَحَلَهُ ، وَ بُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ ، وَ شَاهِدًا لِمَنْ خَاصِمَ بِهِ ، وَ فَلَجًا لِمَنْ حَاجَّ بِهِ ، وَ حَامِلًا لِمَنْ حَمَلَهُ ، وَ مَطِيَّةً لِمَنْ أَعْمَلَهُ ، وَ آيَةً لِمَنْ تَوَسَّم ، وَ جَنَّةً لِمَنْ اسْتَلَّاهُمْ ، وَ عِلْمًا لِمَنْ وَعَى ، وَ حَيْدِيثًا لِمَنْ رَوَى ، وَ حُكْمًا لِمَنْ قَضَى

قرآن نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، دریایی است که ژرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراه نگردد، شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود، جداکننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد، بنایی است که ستون‌های آن خراب نشود، شفادهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را بزدايد، قدرتی است که یاورانش شکست ندارند و حقی است که یاری کنندگانش مغلوب نشوند.

قرآن، معدن ایمان و اصل آن است، چشمه‌های دانش و دریاهای علوم است، سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است، پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۸، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید: ۱۰/۱۹۹.

(۸۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

است، نهرهای جاری زلال حقیقت و سرزمین‌های آن است.

دریایی است که تشنگان آن، آبش را تمام نتوانند کشید و چشمه‌ای است که آبش کمی ندارد، محل برداشت آبی است که هرچه از آن برگیرند کاهش نمی‌یابد، منزلی است که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد و نشانه‌هایی است که روندگان از آن غفلت نمی‌کنند، کوهسار زیبایی است که از آن نمی‌گذرند.

خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان و باران بهاری برای قلب فقیهان و راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است. قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد، نوری است که با آن تاریکی یافت نمی‌شود، ریسمانی است که رشته‌های آن محکم، پناهگاهی است که قلّه آن بلند و توان و قدرتی است برای آنکه قرآن را برگزیند، محل امنی است برای هرکس که وارد آن شود، راهنمایی است تا از او پیروی کند، وسیله انجام وظیفه است برای آنکه قرآن را راه و رسم خود قرار دهد، برهانی است بر

آن کس که با آن سخن بگوید، عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند، نجات‌دهنده است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند و راهبر آن که آن را به کار گیرد و نشانه هدایت است برای آن کس که در او بنگرد، سپر نگهدارنده است برای آن کس که با آن خود را پوشاند و دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد و حدیث کسی است که از آن روایت کند و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند. (۱)

وَاللّٰهُمَّ اللّٰهُمَّ فِي الْقُرْآنِ ، لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهٖ غَيْرُكُمْ . خدا را! خدا را! درباره قرآن، مبادا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند. (۲)

وَتَمَسَّكَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَاسْتَنْصَحَهُ ، وَاجَلَ حَلَالَهُ ، وَحَرَّمَ حَرَامَهُ . به ریسمان قرآن چنگ زن و از آن نصیحت‌پذیر، حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمار. (۳)

۱. «نهج البلاغه»، خطبه ۱۹۸.

۲. «نهج البلاغه»، نامه ۴۷.

۳. «نهج البلاغه»، نامه ۶۹.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۸۵)

ارتباط با قرآن برای همگان به سادگی فراهم است

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم، آیا کسی هست که متذکر شود؟ (۱)

آری این قرآن هیچ پیچیدگی ندارد و شرایط تأثیر در آن جمع است، الفاظش شیرین و جذاب، تعبیراتش زنده و پرمعنی، اندازها و بشارت‌های صریح و گویا، داستان‌هایش واقعی و پرمحتوا، دلایلش قوی و محکم، منطقش شیوا و متین، خلاصه آن‌چه لازمه تأثیر گذاردن یک سخن است، در آن جمع است و به همین دلیل هر زمان دل‌های آماده با آن تماس یابد، مجذوب آن می‌شود و در طول تاریخ اسلام نمونه‌های عجیب و شگفت‌انگیزی از تأثیر عمیق قرآن در دل‌های آماده دیده می‌شود که شاهد گویای این امر است.

ولی چه می‌توان کرد هنگامی که نطفه حیاتی یک بذر مرده باشد، اگر در بهترین زمین‌ها آن را جای دهند و از آب کوثر زیر نظر بهترین باغبان‌ها آبیاری کنند، هرگز نمو نخواهد کرد و گل و گیاهی از آن نمی‌روید.

۱- ۱۷ / قمر .

(۸۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَعَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ مَنْ رَفَعَ قِرْطَاسًا مِنَ الْاَرْضِ مَكْتُوبًا فِيْهِ اسْمُ اللّٰهِ اِجْلَالًا لِلّٰهِ وَلَا شَيْءَ مِنْهُ مِنْ اَنْ يُدَاسَ كَانَ عِنْدَ اللّٰهِ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ وَخُفِّفَ عَنْ وَالدِّيَةِ وَاِنْ كَانَا مُشْرِكِيْنَ

باب پنجاه و یکم فی الخبر النبوی والائمة صفحه ۱۹۳ جلد یکم عربی بیروت

از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله

هر که کاغذی (یا چیز دیگری) که از نامهای خدا در آن ثبت و نوشته شده باشد از زمین بردارد که زیرپا نماند برای تجلیل اسم پروردگار، خداوند او را جزو صدیقان محسوب می‌فرماید و تخفیفی در عذاب پدر و مادر او عنایت فرماید اگر چه مشرک باشند.

ارشاد القلوب دیلمی - جلد ۲

باب پنجاه و یکم - صفحه ۲۵۲

یک توجه مختصر مشهود می‌سازد که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دارای سه نام نیکوی الهی است و از قول رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که هر کس یک بار «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوید چنین است که چهار هزار عمل نیکو انجام داده باشد.

و هر کس نوشته‌ای را که این نام مبارک بر آن باشد از زمین برگردد جزء صدیقان یعنی راستگویان و راستکرداران در اوامر الهی نامش ثبت می‌شود. و حتی خداوند گناهان والدین او را هم تخفیف می‌دهد. نامها و صفت‌های خدای رحیم در قرآن کریم - صفحه ۱۱۰ به نقل از کتاب کشف الاسرار

برادران و خواهران خوب و مسلمانم، از روزنامه‌ها و سایر نوشته‌ها که آیات قرآن کریم در آنها چاپ شده است در کارهای نادرست و پست استفاده نشود که در زباله‌دانها ریخته شود. لطفا توجه بیشتری به متن دو حدیث بنمائید.

علی اصغر سلیم

(۸۷)

فهرست منابع

۱- قرآن کریم ۱۷- مصباح الشریعه

۲- نهج البلاغه ۱۸- الاختصاص

۳- قرآن‌شناسی جوان، محمد بیستونی ۱۹- فی لسان المیزان

۴- سفینه البحار، شیخ عباس قمی ۲۰- ثواب الاعمال

۵- میزان الحکمه، آیه‌الله ری شهری ۲۱- منیه المرید

۶- البحار ۲۲- تفسیر المیزان

۷- نوادر راوندی ۲۳- الدر المنثور

۸- تفسیر عیاشی ۲۴- الصحیفه السجادیه

۹- غرر الحکم ۲۵- تنبیه الخواطر

۱۰- الکافی ۲۶- الترغیب والترهیب

۱۱- المحاسن ۲۷- جامع الاخبار

۱۲- الفقیه ۲۸- الخصال

۱۳- تحف العقول ۲۹- مستدرک الوسائل

۱۴- راجع البحار ۳۰- ثواب الاعمال

۱۵- عیون اخبار الرضا ۳۱- الدعوات راوندی

۱۶- معانی الاخبار

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

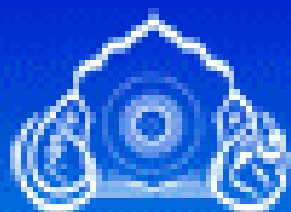
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

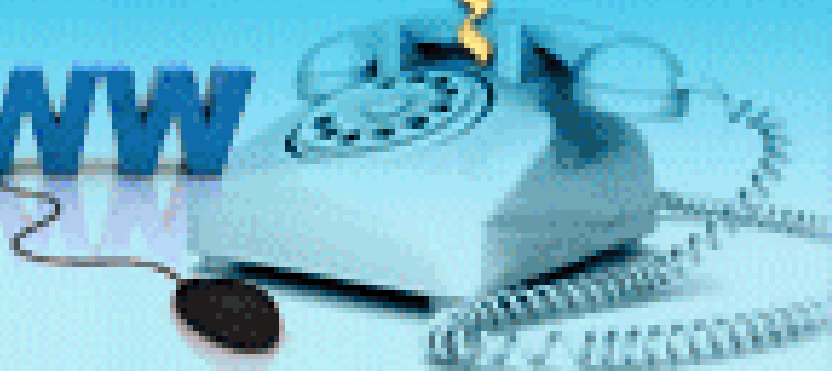


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

